

نامه
مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۰۱
۱۴ فروردین ماه ۱۳۵۹ - شماره ۱۵ ریال

امام خمینی: همه توان خود را صرف قطع امید دشمن اصلی ما، آمریکا کنید

این نیرنگ جدید کارتر شبیه همان نیرنگی است که شاه مخلوع در اواخر عمر سلطنت ننگینش زد.

برملت شریف ایران است که در هر مسلکی و با هر گروهی هستند، از اختلاف و نفاق و کارشکنی برای یکدیگر دست بردارند و با وحدت کلمه دشمن را بکوبند.

ملت بزرگ مصر که از ننگ سادات خیانت کار به ننگ آمده بودند. اکنون مواجه با تحمل ننگ بزرگتری شده اند که با دسیسه و توطئه شیطان بزرگ بر آنان تحمیل شده است. صفحه ۲

ندای وحدت امام را همه باید به گوش جان بشنوند

پیام امام خمینی بمناسبت روز جمهوری اسلامی، باردیگر وخشور و بشارتگر وحدت خلق و اتحاد نیروهای انقلابیست هوایی تازه است برای جاهای بیزار از آوای نادلپدر تفرقه افکنی ها و انحصار طلبی ها.

درونمایه پیام، ندای وحدت و پرهیز از پراکنندگی، ویژه در بقیه در صفحه ۲

مردم سالگرد بنیانگذاری جمهوری اسلامی ایران را زیر شعار وحدت ضدامپریالیستی برگزار کردند



مردم تهران، در مراسم برگزاری روز جمهوری اسلامی ایران، این سخنان هشداردهنده امام را بر پلاکاردها حمل میکردند: اگر قوای ما از هم منفصل شوند، بنفع آمریکاست.

روزی ۱۲ فروردین ۱۳۵۹ مردم ایران در سراسر کشور سالگرد بنیانگذاری جمهوری اسلامی ایران را برگزار کردند. مردم در شعارها و پلاکاردهای خود باردیگر عزم راسخ خود را برای ادامه مبارزه در راه استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی ایران و پیکار بر ضد امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، اعلام داشتند.

در تهران، مردم در میدان آزادی از پیام امام خمینی به مناسبت سالگرد بنیانگذاری جمهوری اسلامی ایران، که همه را دعوت به وحدت کلمه برای در هم کوبیدن دشمن اصلی ما - امپریالیسم آمریکا - میکرد، با شور و شوق استقبال کردند.

آقای بنی صدر، رئیس جمهوری اسلامی ایران نیز طی نطقی مسائل مختلفی را در زمینه سیاست داخلی و خارجی مطرح کرد. (ما به بررسی جداگانه نطق آقای بنی صدر خواهیم پرداخت - نامه مردم)

مردم ایران برگزاری سالگرد بنیانگذاری جمهوری اسلامی ایران را پایان رساندند، در زمینه سیاست داخلی و خارجی مطرح کرد. (ما به بررسی جداگانه نطق آقای بنی صدر خواهیم پرداخت - نامه مردم)

مردم ایران برگزاری سالگرد بنیانگذاری جمهوری اسلامی ایران را پایان رساندند، در زمینه سیاست داخلی و خارجی مطرح کرد. (ما به بررسی جداگانه نطق آقای بنی صدر خواهیم پرداخت - نامه مردم)

نورالدین کیانوری حزب توده ایران ود کتر مصدق

(صفحه ۲۵۴۳)

درخواست از دادستان کل کشور به وضع مالی حزب توده ایران رسیدگی کنید

روزنامه «توده‌ها نمی‌آیند»، بازم جز دشنام و افترا پاشی نداده و نمیتوانسته است. بدهد، در شماره ۱۱ فروردین ماه خود افترای «توده‌ها» را بصورت سؤال مطرح کرده است، بشرح زیر: شما که این همه دم از کارگران و کشاورزان میزنید، بودجه این تشکیلات عریض و طویل را از کجا تامین میکنید؟ از عنایات طبقه بورژوا و خرده بورژوا؟ از شکم گرسنه کارگران و کشاورزان؟ دوست پر عظمت و با از کیه گشاد ارباب؟ کدامیک؟

حزب توده ایران بدینوسیله از دادستان کل کشور میخواهد که به وضع مالی حزب توده ایران رسیدگی کند تا برای همیشه منت افترازان در برابر مردم ایران بآزوشود.

حزب توده ایران ضمن این درخواست، بعلت افترای فوق از طرف روزنامه جمهوری اسلامی، ماده جدیدی را بر اعلام جرم خود علیه روزنامه جمهوری اسلامی می‌افزاید و خواهان رسیدگی فوری به این اعلام جرم از جانب دادستانی کل کشور است.

پیام کارتر به امام - بازی سیاسی که شکست خورد

انتظار میرفت که آقای بنی صدر، در نطق مفصلی که بمناسبت سالروز بنیانگذاری جمهوری اسلامی ایران ایراد داشت به ارزیابی مضمون و سمتگیری سیاسی پیام کارتر به امام میپرداخت، متأسفانه چنین نشد.

این ارزیابی از سوی آقای رئیس جمهور هم لازم بود و هم آسان. لازم بود، برای اینکه مردم بدانند که رئیس جمهور و رئیس شورای انقلاب و بالطبع وزارت خارجه نیز نیرنگ آمریکای حمله گر و جنایتکار را «پیروزی» نمیدانند و مضمون سیاسی اساسی دولت جمهوری اسلامی ایران، ادامه مبارزه با آمریکا در جهت قطع وابستگی از این امپریالیسم جهاننخواه، و تامین و تضمین استقلال تام و تمام ایران در تمام عرصه‌ها و شعب و ثنوع زندگی است. آسان بود، برای اینکه ارزیابی مضمون و هدف پیام کارتر، قبل از نطق آقای رئیس جمهور، از طرف امام، در پیامی که رهبر انقلاب بمناسبت سالروز بنیانگذاری جمهوری اسلامی ایران خطاب به مردم ایران فرستادند، انجام گرفته بود. این ارزیابی مشخص است و تعیین کننده مضمون باید در برابر آمریکایک به تأکید مجدد امام، «دشمن اصلی

ماه است - اتخاذ کرد. امام تصریح کرده است که پیام کارتر «یک نقشه سیاسی و یک نیرنگ شیطانی» است.

«این نیرنگ جدید کارتر» - بنا به ارزیابی دقیق امام - «شبیه همان نیرنگی است که شاه مخلوع در اواخر عمر سلطنت ننگینش زد و در مقابل ملت و روحانیون به چالپوسی و حیلگری پرداخت و دسیسه او نقش بر آب شده.

همانطور که شاه مخلوع در اواخر عمر سلطنت ننگینش اشک تساح ریخت و با عجز و لابه گفت که «پیام انقلاب ملت را شنیده است، کارتر نیز «حقایق جدید» مولود انقلاب ایران را میتواند قبول کند. ولی خود خلق میکوبد که، «توبه گریه مرگ است».

این گریه میتواند یوسین بپوشد، «اشتباهات» خود را در دیدن گوسفندان بی دفاع و شناسائی کند ولی با خطر دیدن طعمه‌ای که از چنگله داده است. ذات گریه، خونخواری است و دندنگی او تغییر ناپذیر است.

گریه آمریکا دشمن اصلی، خلق ما و انقلاب بند امپریالیستی و خلقی است. این گریه حلیه‌ای، اگر بتواند بنحوی اذناحه دوباره به کشور ما بازگردد، «حقایق جدید» مولود انقلاب ایران، را مجدداً از ما باز پس خواهد گرفت و آنگاه

بنا به تصریح امام - «برای هیچیک چیزی باقی نخواهد ماند»، نه برای خلق ستمدیده و غارت شده‌ها، نه برای نیروهای راستین انقلابی و نیز - این را باید مودکانه گفت - نه برای آن گروهها و سیاستمدارانی که تصور میکنند، گریه درنده آمریکا را میتوان به پیش بی آزاری بدل ساخت.

بازی سیاسی و «نیرنگ شیطانی» آمریکا سلطه جو، با انتشار پیام کارتر، که بفرمان

امام انجام گرفت و مع «شیطان بزرگ» را در برابر مردم هشدار داد، این پیام کذابی توسط امام خشی شد.

ولی لفظهای ناپایداری اموش کرد که این «نیرنگ شیطانی»، که این بار در قالب پیام کارتر عرضه شد، با امید به موفقیت تدوین شده بود و این امید از آن جانشی شد که دستگاه دولتی آمریکا احساس کرد که محافل معینی در ایران،

امپریالیسم آمریکا را دیگر نمیتوان «دشمن اصلی» هدف مبارزه قرار نمیدهند. این وضع امید فرآوانی برای دستگاه دولتی آمریکا برانگیخت و بهمان نسبت خیل برای پیروزی نهائی انقلاب و استقلال ایران فراهم ساخت.

پیام امام آن امید را قطع کرد و این خطر را بار دیگر تا کنین کرد.

«دشمن اصلی ما آمریکا است»

کارتر چگونه آدمی است؟

قطب زاده
نظر من نسبت به کارتر، نظر مثبتی است.

از اظهارات صادق قطب زاده، وزیر امور خارجه ایران در کنفرانس مطبوعاتی روز ۱۱ فروردین ماه، پامداد، ۱۱ فروردین ماه ۵۹)

امام خمینی
«کارتر سردمدار ستمکاران عالم است.»
«ناقوسها را... بنفع ملت‌های مستضعف، که در زیر چکمه دژخیمان کارترها از هستی ساقط میشوند، بصاد در آورید.»
(از پیام امام به مسیحیان جهان، کیهان ۵۸/۱۰/۳)
«دنیا کارتر را نمیبخواید.»
(از پیام امام به مناسبت آغاز هجرت، جمهوری اسلامی، اول آذر ۵۸).
«آنطور که ما میدانیم آقای کارتر در قبال کشتار ایران تشویق هم کرده‌اند.»
(مساحه با شبکه ان.بی.سی آمریکا)

ما هشدار میدهیم: کردستان را دریابید!

خطر جنگ برادر کشی در نوسود و اورامانات به اوج خود رسیده است

نوسود بخشی بزرگی است که در شمال غربی کرمانشاه واقع است. بیشترین فعالیت عوامل ضدانقلابی رژیم بعثی عراق در این منطقه متمرکز شده است.

حامد فرزند محمد ظاهر بیگ، از عوامل خود فروخته رژیم بعثی عراق در جوانی و در نزدیکی نوسود - است. دیگری ثلاث بابا خانی است که با پرداخت مبالغ هنگفت، غده زیادی را بقیه در صفحه ۲

جهاد سازندگی یک نهاد انقلابی در خدمت زحمتکشان روستاها

صفحه ۲

جهاد سازندگی يك نهاد انقلابی در خدمت زحمتكشان روستاها

جهاد سازندگی يك وسیله مهم و مؤثر برای اجرای قاطع قانون اصلاحات ارضی

• کلاه عربی روستائی است با ۱۲۰ خانوار جمعیت از بخش چناران، واقع در استان خراسان.

این روستا در دامنه کوههای بلند و پربرف شمال شرقی خراسان قرار دارد. فاصله این روستا با شهر مشهد حدود ۱۲ فرسنگ است. بعلت فقدان راههای ارتباطی و وسایل نقلیه، روستائیان این دهکده فقط در تابستانها قادرند برای تهیه مایحتاج خود، با اسب و یا قاطر، به شهر سفر کنند. اضافه جبهه سازندگی در این روستا، با تحمل مشکلات فراوان، موفق شدند يك چاه نیمه هوار از میان کوهها تا شهر برای عبور و مرور روستائیان ایجاد کنند.

از اقدامات دیگر جهاد سازندگی در این روستا، کارگزاران يك تاکسیرفت برای مصرف اجالی است، زیرا در گذشته بعلت فقدان چاه ارتباطی با شهر، روستائیان اغلب با کمبود نفت و روغن مواجه میشدند. این اقدام جهاد سازندگی عمل مؤثر و مثبتی برای گذران بهتر روستا در این روستاست.

از اقدامات دیگر میتوان تشکیل شورای ده را در این روستا نام برد. اضافه جهاد سازندگی بمدار مطالعه کافی، اقدام به تشکیل شورا بکلیه روستائیان کردند. اضافه شورای این روستا همگی از قشر زحمتکشان است. (برطبق تصمیم درست متخذه، زمینداران بزرگ، قوتوالها، کدخدایان و فرزندان آنها نمیتوانند عضو شورای ده بشوند).

وظیفه شورای ده در وهله اول تکاپو برای حل مشکلات رفاهی ده، از جمله تهیه سوخت زمستانی و وقت و همچنین مرتع و نیازهای فرهنگی است.

موضوع دیگری جهاد سازندگی علیه قاصبان و استثمارگران و پسود طبقات و اقتدار زحمتکش نمونه بسیار برجسته و مهمی است که اینجمله علاقه و اطمینان مردم را نسبت به آنها جلب کرده است. طبعی است که با آغاز اجرای قانون واگذاری زمین به دهقانان بی زمین و کم زمین، روستائیان این ده و همه دهات، که در آنها مسئله حیاتی زمین مطرح است، میتوانند با تشکیل کمیتههای دهاتی خود و به کمک جهاد سازندگی و دیگر نهادهای انقلابی، نظیر سپاه پاسداران و شخصیتهای مرفعی محلی، تغییرات ضروری و بنیانی برای شکوفایی اقتصاد روستای خود و نیز اقتصاد ایران ایجاد کنند و از این طریق بر بنیاد و نقشههای ضدانقلاب نیز ضربه کاری وارد سازند.

در جلسه شورای هفتگی جهاد سازندگی مشهد، که در تاریخ ۱۳۵۸/۱۰/۱۳ تشکیل گردید، تصمیماتی اتخاذ شد که فرائض مثبت و در جهت رفاه مادی و معنوی روستائیان اطراف مشهد بود. در حال حاضر که مسئله ریشه کنی بزرگ مالکی و حل مسئله مالکیت زمین بصورت جدی و فوری مطرح است، یادآوری تصمیمات متخذه آموزنده است.

جهاد سازندگی مشهد وظایف زیرین را در برابر خود قرار داد:

- ۱- شناسائی زمینداران بزرگ، بکلیه سپاه پاسداران و کمیتههای تعیین حداکثر ضلع ملک برای زمین برای هر خانوار، واگذاری مابقی زمینها به دهقانان بی زمین و تقسیم محصول آنان نسبت بیکار انجام شده روی زمین.
- ۲- واگذاری کلیه زمینهای کشت نشده، در صورت فیر -

با آغاز حرکت قاطع انقلابی مردم ایران نهادهای اجتماعی پدیدار شدند که بعنوان پایگاهی علیه رژیم منحوس پهلوی حرکتی ضروری انقلابی را تنظیم کردند و ضربات کاری بر ریشههای عمیق مردمی هستند، هنگامی که در راستای انقلاب و بخاطر پیشبرد هدفهای آن عمل میکنند، نقش بسیار سازنده و خلاقانه دارند. نمونه اینگونه نهادهای انقلابی سپاه پاسداران و جهاد سازندگی است که از بن انقلاب متولد شدهاند و میتوانند بعنوان سازمانهای مردمی وابسته به توده خلق، در خدمت اهداف انقلاب و حفاظت از دستاوردهای آن بکوشند و تاکنون نیز کمالات بسیاری برای روستائیان زحمتکش در اکثر نقاط پدید آوردهاند.

بدیهی است که ضدانقلاب میکوشد تا با نفوذ کردن در این گروه نهادها، خطوط اصلی سیاست آنان را، که استحکام بخشیدن به انقلاب و دستاوردهای آن و خدمت به مستضعفین، یعنی مردم زحمتکش و انقلابی است، منحرف سازد و از این طریق ستونهای انقلاب را مست کند. برای حفظ و تقویت کارائی این نهادها و تعمیق خصلت انقلابی آنها باید با پاکسازی عناصر مشکوک از این سازمانهای مردمی، آنانرا هرچه بیشتر به خدمت مردم گرفت. در این زمینه بارها رهبر انقلاب نیز رهنمود داده است.

هم اکنون سپاه پاسداران و جهاد سازندگی، در کنار سازمانهای مسئول و انقلابی دیگر، در بسیاری از شهرستانهای کشور میدل به تکیه گاههایی برای ادخال و زحمتکشان روستا شدهاند و جلوی بیدارگریها و ظلم اربابان و مستغذبان قدرتمند را میگیرند. همه روزه سیل نامهها و شکواینها است که به این مراکز سرازیر میشود. روستائیان با طرح مسائل و مشکلات خود از آنان خواستار همکاری و کمک و همبستگی میشوند.

فعالیتهای جهاد سازندگی که به فرمان امام برای بازسازی دیوار فرو ریختههای بنام اقتصاد ایران آغاز گردید، در مناطق مختلف چشمگیر بوده است. این فعالیتها در بعضی نقاط برای حل مسائل اساسی روستائی، مانند مسئله زمین و آب و یا برای حل مسائل رفاهی و معیشتی دهات اثرات قابل توجهی داشته است. در استانهای مختلف، مسئولین و اضافه جهاد سازندگی، با توجه به مشکلات فراوان، در شرایطی سخت، تمام نیروی خود را برای خدمت به روستاها بسیج کردهاند.

اگرچه در همه جا عملکرد و نتایج کار به یکسان نبوده است، ولی این نهاد انقلابی میتواند وسعت عمل و دامنه فعالیت خود را وسعت سازد و بکلیه پاسداران، سازمانها و محافل و شخصیتهای انقلابی محلی، با تکیه بر نیروی لایزال خود زحمتکشان روستاها و نیز بکلیه کمیتههای دهاتی، پشتوانه اجرای یکی از اساسیترین دستاوردهای انقلاب، یعنی واگذاری زمین به دهقانان بی زمین و کم زمین باشد. و در اجرای قانون مصوبه اصلاحات ارضی، نقش بسیار حاسمی را بسود انقلاب و بسود دهقانان ایفا کند.

جهاد سازندگی تاکنون اقدامات رفاهی بسیار ارزانی برای بهسازی شرایط زندگی در روستاها کرده است. بجماعت که هم اکنون که طرح انقلابی استاد رضا اصفهانی به تصویب شورای انقلاب رسیده و بصورت قانون درآمده است، جهاد سازندگی و دیگر نهادهای اجتماعی و انقلابی بنیانه مجریان اصلی طرحهای انقلابی روستائی عمل میکنند، درجه کارائی خویشرا بالا برند و بیوند خود را با توده مردم زحمتکش دهات مستحکم سازند. باید به این نهادها وسعت عمل بیشتر و اختیارات گستردهتری داده شود. حضور يك نماینده از جهاد سازندگی در هیئت نظری بسیار بجااست و نظریات بجااست بجهت کارشناسان نماینده وزارتخانههای کشور و کشاورزی و دادگستری، بر عهده آنها در این هیئت افزود. اخبار زیر نمونههایی از فعالیتهای جهاد سازندگی مشهد است، که نشانگر گامهایی مثبت در راه بهسازی روستاها است. گام هائی که موجب جلب اعتماد دهقانان شده و اعتبار فراوانی به این نهاد در این منطقه بخشیده است.

امام خمینی: همه...

بقیه از صفحه ۱
امام خمینی بنیادگذار جمهوری اسلامی ایران پیام مهمی خطاب به ملت ایران فرستادند که نکات اساسی آن در زیر به اطلاع خوانندگان گرامی میرسد.
ملت بزرگ مصر که از تفنگ سادات خیانت کار به تنگ آمده بودند، اکنون مواجه با تحمل تنگ بزرگتری شدهاند که با دسیسوتوطه شیطان بزرگ بر- آنان تحمیل شده است.
شیطان بزرگ برای رسیدن به چند سال منفعت جنایت بر- وسیله ممکن دستاویز و پهر نقشه شیطانی متعین میشود.
محمدرضا را به همسر تحمیل و خود را از آن بی خبر معرفی میکند. غافل از آنکه ملتها بیدار شدهاند و دست امثال او را خوب خوانند. او که گاهی با اشغال نظامی و بیاد کردن چشمازان در لانه جاسوسی و گاهی با محاصره اقتصادی و منزوی کردن کشور، ما را تهدید میکرد و از آن نتیجه نگرفت، اکنون دست یک نقشه سیاسی و یک نیرنگ شیطانی زده است و با نیرنگ و چالپلوسی می- خواهد ما را اذیت کند و قمار سیاسی خود را از رقیبان خود با نیرنگ به ملت ما ببرد.
این نیرنگ جدیدتر از نیرنگهای همان نیرنگی است که شاه مخلوع در اواخر عمر سلطنت تنگیش زد و در مقابل ملت و روحانیون به- چالپلوسی و حیلگری پرداخت و دسیسه او قش بر آب شد.
آقای کثرتی باید بداند که با فرستادن شاه مخلوع به مصر و عذرخواهی از اشتباهات گذشته و اعتراف به خیانتهای آمریکا به ملت ما، مظلومان از آن جمله ایران و راه حل لانه جاسوسی را از من که يك نفر از ملت بزرگ ایران هستم خواستن به پیراه رفتن است. حل این مسئله دست هیچ کس جز ملت شریف ایران و مجلس شورای اسلامی نیست از آراء ملت نیست. باید بداند که حمایت از شاه مخلوع و پسر از آن همه جنایات و خیانتهای بزرگ و آن چپاولگریها مجالی برای حل و اصلاح شرافتمندانه نگذاشته است.
با سپردن شاه مخلوع دشمن اسلام و ایران بدست دشمنی که با اعمال تنگین خود مسلمانان جهان را سخت آذینده است، راه حل را بیچند تنی نودم است. عیب است که سادات نیز مثل کثرتی مدعی است که حس انسان دوستی، او را وادار به پذیرش شاه مخلوع نموده است. اینان که در هر فرست ملت های بزرگ را که جرمی جز حق طلبی ندارند از ما درمیاورند، باورهای احساسی انسان دوستی يك نفر جنایتکار را که در طرف قرب به چهل سال ملتی بزرگ را به پتاهی کشید و دهها هزار انسان بی گناه را به خاک و خون کشید و نزدیک به صد هزار نفر را مجروح و معلول نمود و اموال يك ملت فقیر را به پتاه برد، پناه داده و از احوال حمایت نموده و میباید و این را احساس انسان دوستی مینامند و ملت ما و ملت خودشان را بسازی سیاسی میگردانند.
اکنون که ما گرفتار اشخاصی هستیم که از هیچ امری و ارتکاب هیچ جرمی برای رسیدن بسند چندساله زرگردان نیستند و از دروغ گوئی و بیادوستی و کثرتی حاشا که اینها ندارند و مع الاسف دارای قدرت شیطانی نیز میباشند بر همه مستضعفین و خصوص مسلمانان جهان است که بخود آیند و از حق و حقیقت دفاع کنند و کشورهای خودشان را از لوث وجود این اشخاص پاک کنند.
بر ملت شریف ایران است که در هر مسلکی و با هر گروهی هستند، از اختلاف و نفاق و کارشکنی برای یکدیگر دست بردارند و متفکران و دانشگاہیان و دانشمندان همه بتوانند خود را صرف قطع امید دشمن اصلی ما آمریکا کنند که با سلطه دشمن قدرتند برای هیچ يك چیزی باقی نخواهد ماند.
من از برادران و خواهران کردستانی میخوام که برادرانه با سایر برادران مسلمان خود و در کنارهم از کشور خود دفاع کنید.

همکاری نظامی آمریکا و چین و پاکستان علیه افغانستان

پاره ای از روزنامه های آسیای جنوب شرقی خبر دادند که ضیاء الحق دیکتاتور پاکستان ممکن است بزودی از بنک چین لازم بیدار شود که اخیرا يك هیئت بلندپایه نظامی چین از اسلام آباد دیدن کرد و درباره تحویل سلاح به پاکستان مذاکره انجام داد. واشنگتن که در اطراف پاکستان به قمار خطرناکی دست زده است، در عین حال تلاش دارد چین را نیز به مسلح کردن رژیم دیکتاتوری ضیاء الحق وادار کند.
گزارشهای رسیده نشان میدهد که از طریق شاهراه «قره قورم» سیل سلاح به پاکستان و برای پاندهای افغانی سرازیر شده است. محافل اجتماعی پاکستان در ماههای اخیر بارها با این سیاست اعتراض کرده و آنرا مفایر با منافع ملی پاکستان دانسته اند. حتی روزنامه های رسمی پاکستان اعتراف کرده اند که رژیم هفت میلیارد دلار به خارج مقروض است. همین روزنامه ها اعتراف میکنند که اقتصاد پاکستان با اوضاع اسفناکیز روبه رو است. با این همه رژیم ضیاءالحق بیش از چهل درصد بودجه کشور، یعنی مسترین زحمتکشان محروم را، صرف مخارج نظامی میکند.



من کاری به شاه ندارم. فقط جیبانم در حرم منافع جهانی لیست است!

گردستان را...

بقیه از صفحه ۱
اجیر کرده و در دیگری های اخیرش با سپاه پاسداران، از این سپاه ۱۰ تن کشته و ۲۰ تن را زخمی کرده است.
تحریکات دوسه ساله های عوامل ضد انقلاب زمانی شدت می یابد که تحریم اقتصادی نوسود با گذشت بیش از ۱۰ ماه هنوز ادامه دارد.
در اورامانات
سپاه زرگاری، یکی دیگر از عوامل ضد انقلاب است که پایگاه همیش در منطقه زرگاری اورامانات قرار دارد. سپاه زرگاری اخیرا پشت مسلح شد و دست و پیکته شاهان عینی، هفت بار در عرض هفته گذشته، حلی کوچه های عراقی در منطقه زرگاری در خاک ایران برای آنها نیروی پدید آورده اند.
وجود عوامل ضد انقلاب در نهادهای انقلابی همچون سپاه پاسداران، ادامه تحریم اقتصادی و در پی آن تشدید نارضایتی در میان توده زحمتکش از يك سو، و فعالیت های مخرب عوامل ضد انقلاب از نوع حاکم محمد ظاهر یوگ و سپاه زرگاری از سوی دیگر، از عواملی هستند که در ایجاد محیط مستفید در منطقه مؤثر است. شرایط خنربخ و حساس کنونی انقلاب ایران حکم میکند که هر چه زودتر، اولاً به خواستهای بحق خلق کرد، به پیروی از پیام تاریخی امام خمینی، پاسخ داده شود.
ثانیاً، با پاکسازی عوامل ضد انقلاب، عملیات مخرب مهار گردد.

را منحرف سازند و وله تیز مبارزه را علیه نیروها و سازمانهای برانگیزند که گمانی جز مبارزه بیکر علیه امپریالیسم آمریکا و پاسداری از دستاوردهای انقلاب نداشته و ندارند. علیه کشورهای برانگیزند که صادقترین پشتیبان انقلاب ایران بوده اند و هستند.
حزب توده ایران بیوسته بر آن بوده است که وجود نیرو- های گوناگون سیاسی با عقاید سیاسی و مسلکی گوناگون در يك جامعه طبقاتی، نظیر جامعه ما، امری است مسلم و طبیعی و وجود حداقل دموکراسی حکم میکند بویژه در کشوری که با دشمن خونخواری چون امپریالیسم آمریکا درگیر است که این نیروهای گوناگون در کنار هم امکان زیست یابند و برای تحقق شمارهای واحدی در جهت تامین استقلال کشور، دموکراسی و عدالت اجتماعی به وحدت نظر برسند و در يك شکل، در کنار هم، به مبارزه مشترک دست زنند. اکنون این امام است که این عمده ترین مصلحت انقلاب و مردم را در این جماعات ندانمید که...
در هر مسلکی و با هر گروهی که هستند... دشمنان را با وحدت کلمه درهم کوبید.
اما چه میتوان کرد که نیروهای حتی با دعوی پیروی از خط امام، خط و مسات و یوزه خود را دنبال میکنند، ب نهای وحدت

حزب توده ایران و دکتر مصدق

شاید کمتر موضوعی را بتوان یافت که درباره‌اش تا این اندازه در جریان ۲۵ سال اخیر زندگی سیاسی ایران بحث و صحبت شده باشد. در این دوران، این صحبت‌ها از جهات مختلف انجام گرفته و هنوزم بازار این گپ‌زدن‌ها بسیار گرم است.

من گوشتی میکنم یا ترسیم صدقانه آنچه بین حزب توده ایران و دکتر مصدق گذشت است، و اقلیت را از زیر خوراکهاش و خشاک و زباله، که بدخواهان و ناگهان پری آن ریخته‌اند، خارج سازم.

۱- حزب توده ایران و دکتر مصدق در دوره تأسیس حزب توده ایران

موسسین حزب توده ایران نسبت به دکتر مصدق و مبارزه سیاسی که در دوران همدستی استبداد پهلوی انجام داده و همدستی‌هایی که در پیامده این مبارزه حاصل کرده بود، با دیده احترام نگاه میکردند. در همان اولین روزهای پس از سرنگونی رژیم پهلوی رضاشان، که امکان فعالیت‌های سیاسی آزاد در محدودهٔ مبنی وجود آورده بود، تمام تلاش‌های رهبری و موسسین حزب توده ایران در این جهت بود که با دکتر مصدق در یک جبهه وسیع ملی و آزادیخواه همکاری کنند. حتی از طرف موسسین حزب توده ایران به دکتر مصدق پیشنهاد شد که او رهبری چنین جبهه‌ای را برای تثبیت و تحکیم و گسترش آزادیهای به دست آمده بپذیرد.

با اینکه دکتر مصدق این پیشنهاد را نپذیرفت، ممالک مناسبات حزب توده ایران و دکتر مصدق مناسبات نزدیکی بود. حزب توده ایران دکتر مصدق را به عنوان یک رجل سیاسی ملی، ولی محدود و در چارچوب فعالیت طبقاتی سرمایه‌داران و مالکان ملی به حساب می‌آورد. اختلاف نظر اساسی حزب توده ایران و دکتر مصدق از همان آغاز تصدیق فعالیت امپریالیسم تازه‌نفس آمریکا در ایران بر سر آزادیهای از این امپریالیسم بود.

۲- استراتژی امپریالیست‌های آمریکایی و انگلیسی برای دوران پس از جنگ

پس از جنگ جهانی دوم، ایران مانند سایر جهان، غیر از کشور اتحاد شوروی، ملک طلق و بدون منازعهٔ امپریالیست‌های جهان‌خوار بود. نظام فاشیستی امپریالیست بر سر سرزمین جهان، به استثنای اتحاد جماهیر شوروی-سوسیالیستی، بدون چون و چرا فرمانروائی داشت. در ایران رژیم رضاشان، که به دست اردبای انگلیسی‌هاش بوجود آمده بود، تمام خواسته‌های امپریالیست‌ها را در این منطقه بسیار با اهمیت استراتژیک برای جهان امپریالیسم تأمین میکرد.

حکاماتی که منازعهٔ داخلی غارتگران امپریالیستی و بویژه منازعه بین دو گروه فاشیستی، یعنی آلمان و ژاپن و ایتالیا از یکسو و انگلیس و فرانسه و آمریکا و سایر مستعمراتشان از سوی دیگر، به پررنگی آشکارا پدیدار گشته، منازعه‌های گله‌های گریه‌های فتنه بخون خود را در غرب و شرق، برای تسخیر جهان به حرکت درآوردند. رضاشان و نوجوه‌هایش مانند تین‌دستی‌ها، زاهدی‌ها و غیره، که احساس میکردند از باب قدر قدرت تازه‌ای سر بلند کرده و موضع اردباب کینه‌توزی را در دست به فاشیستی زنده و همین باعث شد که مورد بی‌مهری اردبای انگلیسی قرار گرفتند.

امپریالیسم آمریکا و انگلیس و فرانسه، که به‌تفاوتی با مقاومت در مقابل رقیب تا دندان مسلح شده آلمانی و ژاپنی و ضمت‌شان را ندانند، به‌جای همکاری با کشور اتحاد شوروی، که یک‌پایه‌ایگاه مقاومت علیه لشکرکشی فاشیستی بود، فن در مانند، یکی از نتایج این همکاری اجباری امپریالیست‌های انگلیسی و آمریکایی با اتحاد شوروی این بود که در کشور ما ایران، مواضع محکم و پلانهای امپریالیست‌های انگلیسی متزلزل گردید. انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها که به هیچوجه آماده نبودند با تصمیمی حاکمیت خود در ایران موافقت کنند، برای حفظ این حاکمیت به ایرتیک دور کردن رضاشان، که مورد کینه و نفرت همه مردم ایران بود، دست زدند تا به این ترتیب اساس سلطنت را از زیر ضربه بیرون آورند و پس رضاشان را، برای ادامه سیاستی که رضاشان مأمور آن بود، تکبیراند.

سیاستمداران کینه‌کار فراماسون وابسته به امپریالیسم انگلستان مانند فروغی، صدر، منصور، سپیدی و سید ضیاءالدین را هم برای انجام این نقشه شیطانی بخدمت گرفتند. در تمام دوران چند ساله جنگ،

استراتژی امپریالیست‌های آمریکایی و انگلیسی این بود که در اولین فرصت، تمام آنچه را که موجب تزلزل در حاکمیت برچون و چرای آنان شده، در ایران از بین ببرند و آرامش قبرستانی دوران رضاشان را دوباره در ایران برقرار سازند و ایران را باز هم به مجزیه‌سره ثابت شاهنشاهی، در منطقه بدل کنند.

یکی از دستاوردهای بزرگ تحولات دوران جنگ و بویژه سالهای آخر جنگ - که دوران دردم شکسته شدن امپریالیسم وحشی نازیها و فاشیسم و امپریالیسم هرمانی ژاپنی بود - گسترش فضا و فعالیت دموکراتیک و ضد امپریالیستی در ایران بود. مردم ایران از شرایط مساعد استثنائی ناظران نیروهای ارتجاعی و امپریالیستی در ادامه اختناق سیاسی دوران رضاشان بهره‌گیری کردند و در شرایط دشوار دوران جنگ، با وجود حضور ارتشهای آزادکننده انگلیس و آمریکا، که در همه جا از ارتجاع سیاه ایران، یعنی از فئودالها و مالکان و سرمایه‌داران وابسته و خاندانهای متعصب پشتیبانی میکردند، جنبش نیرومند ضد امپریالیستی و دموکراتیک را بوجود آوردند.

تسریع این جنبش نیرومند خلقی خاری بود در چشم امپریالیست‌ها و همین جهت از همان آغاز پیدایش اولین نطفه‌ها، یعنی سازمان جوان حزب توده ایران، مورد کین و بغض و ستیز و حقیانه ارتجاع و امپریالیسم قرار گرفت. پاندهای سیاه ارتجاعی، با رنگسهای فاشیستی و مذهبی مانند سوکا، وست-های سیدضیالی و... تنها برای مبارزه با حزب توده ایران مانند تاج می‌رویدند. هم این ترتیب هدف استراتژیک امپریالیست‌های آمریکایی و انگلیسی در منطقه کشور ما این بود که در اولین فرصت ایران را دوباره به میدان تسلط برچون و چرای خود مبدل سازند. برای اینکار لازم بود که مجموعه جنبش ضد امپریالیستی و دموکراتیک را سرکوب کنند. برای رسیدن باین هدف ضروری بود که این جنبش نیرومندترین گردان این جنبش ضد امپریالیستی و دموکراتیک، یعنی جنبش توده‌های دردم شکسته شود.

حزب ما این استراتژی دشمنان ملت ایران را بطوری تشخیص داد و میدید که هدف اولین و سبکترین ضربه‌های ارتجاعی خواهد بود.

پس از جنگ جهانی دوم، ایران مانند سایر جهان، غیر از کشور اتحاد شوروی، ملک طلق و بدون منازعهٔ امپریالیست‌های جهان‌خوار بود. نظام فاشیستی امپریالیست بر سر سرزمین جهان، به استثنای اتحاد جماهیر شوروی-سوسیالیستی، بدون چون و چرا فرمانروائی داشت. در ایران رژیم رضاشان، که به دست اردبای انگلیسی‌هاش بوجود آمده بود، تمام خواسته‌های امپریالیست‌ها را در این منطقه بسیار با اهمیت استراتژیک برای جهان امپریالیسم تأمین میکرد.

۳- توطئه سرکوب جنبش در آذربایجان و کردستان

اولین موج حمله امپریالیست‌ها و ارتجاع ایران برای مهارت نقشه اساسی خود، توطئه آذربایجان و کردستان بود. در جریان مبارزات مردم ایران برای تأمین استقلال و آزادی، برای ریشه‌کن کردن سلطنت استبدادی امپریالیسم، آذربایجان و کردستان بصورت سنگرهای صده مقاومت نیروهای مترقی جامعه در آمدند. جنبشهای ملی و آزادیخواه در این دو استان، باقیم خود دست قدرت ارتجاعی شاهنشاهی را گولاه کردند و آن حقوق را برای مردم آذربایجان و کردستان تأمین کردند که میزاس و مسائل امام خمینی، رهبر مردان انقلاب ایران، در پیام تاریخی خود برای این خلفا و خلقهای دیگر غیر فارسی‌سین ما، بحق دانستند و برآوردن آرا و عهد دادند.

در سال ۱۳۲۵ که حمله امپریالیسم و ارتجاع ایران برای سرکوب جنبشهای ملی و خلقی در آذربایجان و کردستان آغاز گردید، در پیام تاریخی خود برای این خلفا و خلقهای دیگر غیر فارسی‌سین ما، بحق دانستند و برآوردن آرا و عهد دادند.

حزب توده ایران اولین سازمان سیاسی بود که از ابتدا در پی توطئه فاشیستی ارتجاع و رضا شاه بود. فاشیستی در کشورهای سرمایه‌داری رشد یافته و فاشیسم گرا در کشورهای میانی اروپا، وسیله حمله به آزادی و حقوق ملی بود. حمله به آزادی و حقوق ملی، وسیله حمله به کمونیسم، استبداد و بیگانه‌ترین بیرونی ضد امپریالیسم و رضا شاه بود. حمله به آزادی و حقوق ملی، وسیله حمله به کمونیسم، استبداد و بیگانه‌ترین بیرونی ضد امپریالیسم و رضا شاه بود.

حزب توده ایران اولین سازمان سیاسی بود که از ابتدا در پی توطئه فاشیستی ارتجاع و رضا شاه بود. فاشیستی در کشورهای سرمایه‌داری رشد یافته و فاشیسم گرا در کشورهای میانی اروپا، وسیله حمله به آزادی و حقوق ملی بود. حمله به آزادی و حقوق ملی، وسیله حمله به کمونیسم، استبداد و بیگانه‌ترین بیرونی ضد امپریالیسم و رضا شاه بود.

حزب توده ایران اولین سازمان سیاسی بود که از ابتدا در پی توطئه فاشیستی ارتجاع و رضا شاه بود. فاشیستی در کشورهای سرمایه‌داری رشد یافته و فاشیسم گرا در کشورهای میانی اروپا، وسیله حمله به آزادی و حقوق ملی بود. حمله به آزادی و حقوق ملی، وسیله حمله به کمونیسم، استبداد و بیگانه‌ترین بیرونی ضد امپریالیسم و رضا شاه بود.

فلس کردیم انجام این نقشه را چند ماهی به تأخیر انداخت.

برای رهبری حزب مادری مسلم شده بود که ارتجاع ایران در اولین فرصت ضربه قطعی برای غیرقانونی کردن حزب مآورد خواهد ساخت. مبارزه با حزب توده را فاشیسم کردیم و از سایر نیروهای ملی خواستیم که به حزب ما کمک کنند. ما به آنها یادآوری کردیم که حمله به حزب توده ایران، حمله به آزادی همه مردم ایران است و اگر ارتجاع موفق شود حزب ما را از میدان مبارزه خارج سازد، به آسانی خواهد توانست سایر نیروهای مخالف خود را نیز قلع و قمع کند.

ولی متأسفانه ندهای پدید می‌دهد حزب توده ایران برای تشکیل جبهه ضد دیکتاتوری علیه رژیم جنبش ضد رضاشاهی گشودنای پیدا نکرد. ما بویژه مکرراً به دکتر مصدق و یارانش مراجعه کردیم و از آنها خواستیم که در مقابل این توطئه علیه حزب ما، از آزادی فعالیت حزب توده ایران دفاع کنند. ولی دکتر مصدق حاضر نشد گامی در این راه بردارد. حفظ دوستی با آمریکا برای دکتر مصدق، از دفاع از آزادی در ایران با اهمیت تر بود.

دکتر مصدق این قدرت جهان‌خوار امپریالیستی را به‌عنوان وسیله دست یافتنی برای رسیدن به اهداف خود می‌دید. او برای این هدف، تمام توانهای خود را در اختیار امپریالیسم انگلستان گذاشت. به این ترتیب حزب ما در مبارزه تنها علیه جبهه متحد امپریالیسم آمریکا و انگلیس و ارتجاع سیاه ایران قرار گرفت. که از «بیطرفی» و «سکوت مخلوط با رضاشاهی» برای توطئه علیه حزب توده ایران بهره‌گیری میکردند.

رژیم سرسپرده شاه خان حادثه تیراندازی دانشگاه را بهانه کرد و حزب توده ایران را غیرقانونی اعلام کرد. حزب توده ایران دست لفظی غیر قانونی اعلام شد که بهترین سنگر دفاع از منافع ملت ایران در زمینه منافع فاشیستی کشور، در مقابل نقشه‌های خطرناک امپریالیستی برای توسعه و تحکیم بیانی این غارتگری جنایت‌بار بود.

حاکم اعضاء کمیته مرکزی حزب توده ایران، به محاکمه رژیم رضاشاهی و داروغستان، به محاکمه شرکت غارتگر نفت انگلیس، به محاکمه امپریالیسم انگلستان و رژیم خان حاکم بر ایران مبدل شد. جنبش ملی از دفاع دست‌جمعی اعضاء رهبری به زندان افتاد حزب ما، میس امپریالیسم انگلیس و آمریکا و رژیم وابسته حاکم را در زمینه غارت منابع نفتی ایران فاشیسم کرد. اعضاء رهبری و عده زیادی از فعالین حزب توده ایران بجرم دفاع از آزادی و استقلال ملی به زندان افتادند، محکوم شدند و به تبعید فرستاده شدند، ولی به دکتر مصدق و یارانش لام از کم تکان ندادند. آنها میدانستند که نقشه سرکوب جنبش توده‌های، نقشه ساختهٔ مشترک امپریالیسم آمریکا، امپریالیسم انگلیس و ارتجاع ایران است و شاید همین امر که امپریالیسم آمریکا بیشتر عده و گرداننده این نقشه بود، دکتر مصدق و یارانش را واداشت که دربارهٔ این توطئه بزرگ ضد ملی‌مندی خود از امپریالیسم و ارتجاع ایران سکوت اختیار کنند و از این راه صلابت به آسیای میانه خورشید، دشمنان دشمنان مجموعه جنبش ضد امپریالیستی ملت ایران بربزند.

این توطئه این توطئه تاریخ به اثبات رسیده که همیشه حمله به کمونیسم، استبداد و بیگانه‌ترین بیرونی ضد امپریالیسم و رضا شاه بود. حمله به آزادی و حقوق ملی، وسیله حمله به کمونیسم، استبداد و بیگانه‌ترین بیرونی ضد امپریالیسم و رضا شاه بود.

حزب توده ایران اولین سازمان سیاسی بود که از ابتدا در پی توطئه فاشیستی ارتجاع و رضا شاه بود. فاشیستی در کشورهای سرمایه‌داری رشد یافته و فاشیسم گرا در کشورهای میانی اروپا، وسیله حمله به آزادی و حقوق ملی بود. حمله به آزادی و حقوق ملی، وسیله حمله به کمونیسم، استبداد و بیگانه‌ترین بیرونی ضد امپریالیسم و رضا شاه بود.

حزب توده ایران اولین سازمان سیاسی بود که از ابتدا در پی توطئه فاشیستی ارتجاع و رضا شاه بود. فاشیستی در کشورهای سرمایه‌داری رشد یافته و فاشیسم گرا در کشورهای میانی اروپا، وسیله حمله به آزادی و حقوق ملی بود. حمله به آزادی و حقوق ملی، وسیله حمله به کمونیسم، استبداد و بیگانه‌ترین بیرونی ضد امپریالیسم و رضا شاه بود.

حزب توده ایران اولین سازمان سیاسی بود که از ابتدا در پی توطئه فاشیستی ارتجاع و رضا شاه بود. فاشیستی در کشورهای سرمایه‌داری رشد یافته و فاشیسم گرا در کشورهای میانی اروپا، وسیله حمله به آزادی و حقوق ملی بود. حمله به آزادی و حقوق ملی، وسیله حمله به کمونیسم، استبداد و بیگانه‌ترین بیرونی ضد امپریالیسم و رضا شاه بود.

حزب توده ایران اولین سازمان سیاسی بود که از ابتدا در پی توطئه فاشیستی ارتجاع و رضا شاه بود. فاشیستی در کشورهای سرمایه‌داری رشد یافته و فاشیسم گرا در کشورهای میانی اروپا، وسیله حمله به آزادی و حقوق ملی بود. حمله به آزادی و حقوق ملی، وسیله حمله به کمونیسم، استبداد و بیگانه‌ترین بیرونی ضد امپریالیسم و رضا شاه بود.

۴- حمله برای از بین بردن حزب توده ایران

پس از آذربایجان و کردستان، امپریالیست‌های انگلیسی و آمریکایی توطئه حمله برای درهم شکستن سنگر حزب توده ایران را آغاز کردند. این حمله از طریق مهارت دیده شد: اول گوشه‌گیری رژیم توده ایران را به کمک مرطوب، تسلیم طلبان و سازشکاران، یعنی جان-دست خلیل ملکی از دون تسخیر کنند و برآه هلاک و تسلیم به امپریالیسم بکشند. این تلاش در مقابل مقاومت مبارزان و قهاران توده‌های، مبارزان و رهبران انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی دموکراتیک ایران، با شکست منتهی گشت. این توطئه فاشیستی ارتجاع و رضا شاه، برای ریشه‌کن کردن حزب توده ایران، در پیام تاریخی خود برای این خلفا و خلقهای دیگر غیر فارسی‌سین ما، بحق دانستند و برآوردن آرا و عهد دادند.

حزب توده ایران اولین سازمان سیاسی بود که از ابتدا در پی توطئه فاشیستی ارتجاع و رضا شاه بود. فاشیستی در کشورهای سرمایه‌داری رشد یافته و فاشیسم گرا در کشورهای میانی اروپا، وسیله حمله به آزادی و حقوق ملی بود. حمله به آزادی و حقوق ملی، وسیله حمله به کمونیسم، استبداد و بیگانه‌ترین بیرونی ضد امپریالیسم و رضا شاه بود.

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

حزب توده ایران و دکتر مصدق

بقیه از صفحه ۴

پدیری ملی که از اعضای فعال و مؤثر حزب سابق توده بود و بعداً بعنوان نماینده حزب توده در مجلس شورای ملی برگزیده شد. در آن زمان در کابینه دولت مصدق عضویت داشت. وی دربارۀ ارتباط با امریکاییان چنین مینویسد:

«برای اداره کردن امور تبلیغاتی مربوط به جنبه ملی کمیسونهای مخصوص تبلیغات جنبه ملی بطوریکه سابقاً به آن اشاره شد، هر هفته در منزل یکی از آقایان مدیران جراید وابسته به جنبه ملی تشکیل میگردد و در ضمن ناهار و مدتی که پس از صرف ناهار وقت کار موجود بود، نقشه های مربوط به انتشار اخبار و مقالات و طرز مبارزه با نمایندگان مختلف با آقایان جنبه ملی و جراید انگلیسی و شماری که در آنوقت همکاری و مساعدت با خواسته های حقیقی جنبه ملی که آزادی مطبوعات و آزادی انتخابات و اصلاح قانون حکومت نظامی بود نمینمودند، مین و مقرر میگردد و افراد این جلسات را آقایان دکتر فاطمی، دکتر بقائی، حسین سکی، حسن صدر، جلالی نائینی و اینجانب تشکیل میدادند. ولی کمیسون سیاسی جنبه ملی فقط مرکب از آقایان حائری زاده - حسین فاطمی - حسین سکی - دکتر بقائی - جلالی نائینی و اینجانب تشکیل میشد که برای روشن شدن سیاست روز غالباً جلساتی داشته و آقای میراشرفی هم در این جلسات دعوت و شرکت نمینمودند و بمناسبت قیام روزنامه آتش بر علیه دولت رژیم آراء و تعقیب خواسته ها و اهداف اساسی جنبه ملی شرکت مدیر روزنامه آتش در این کمیسونها و ملاقاتهای سیاسی بیفک جنبه ملی تمام میشد و علاوه بر اینکه در باغ صبا خانه آقای میراشرفی با سائیل آبرومند آن در مقابل درختانی که باین جلسات دعوت میشدند در اختیار کمیسون سیاسی قرار میگرفت روزنامه آتش هم مبارزه بسیار مؤثر و آبرومندی در پیشرفت منویات جنبه ملی نمود و چون از جراید برتری از سراسر مایه دار پایتخت بود اقداماتش مورد کمال استفاده قرار میگرفت.

... میبایست باغ صبا در منزل آقای میراشرفی شروع شد و آقای دکتر فاطمی مشغول فعالیت شدید گردید و شب اول آقایان ویلز مستشار سفارت آمریکا و آقای دیشر آتش مطبوعاتی سفارت بر حسب دعوت آقای فاطمی حضور پیدا کردند و علاوه بر اعضای کمیسون مطبوعات و تبلیغات و سیاسی جنبه ملی این دو نفر هم در باغ صبا شرکت نمودند پس از شام توضیحات مفصلی در اطراف هدف جنبه ملی و علت مخالفت آن با دولت داده شد و چون در عمل بمناسبت عدم آشنائی آقایان مزبور با زبانهای فرانسوی و فارسی اشکالاتی پیش آمد، دکتر شد برای جلسه بعد از آقای دکتر گری آتش فرهنگ سفارت که بزبان فارسی آشنائی کامل دارند نیز دعوت شده و توضیحات بیشتری بوسیله مشارالیه بود. استحضار آقایان ویلز و دیشر داده شد.

شب ممبر فرانسید و علاوه بر آقایان مزبور آقای دکتر گری نیز در صفاقت باغ صبا حضور یافته و توضیحات همگی را با نهایت محبت برای آقایان ویلز و دیشر ترجمه نمودند و تقریباً مطالب و هدف کمیسون سیاسی و مطبوعات جنبه ملی بر آنان روشن شد و همان شب این مطلب مورد موافقت قرار گرفت که این کمیسونهای دوستانه هفته ای یکبار ادامه یافته ولی هر شب در منزل یکی باشد و همچنین مناسبت جلسه بعد در منزل آقای ویلز حضور یافتند.

خانم ویلز که فرانسه تقریباً زبان مادری ایشان میباشد کار ترجمه دکتر گری را تسهیل نموده و بزبان فرانسه بسیاری از محاورات بعمل می آمد و همچنین آقای دیشر هم چون اصلاً از اروپائیان قسمت شرقی و ایشان هم فرانسه خوب میدانستند. بیشتر موجبات پیشرفت صحبت گردید و آقای دکتر بقائی را معرفی و بدون واسطه مطالب را بر سر سینه و با توضیح میدادند و البته بتدریج مذاکرات سیاسی بطور اعم جریان یافته از وضع تشریح اهداف جنبه ملی بصورت مذاکره در اطراف مسائل سیاسی روز و سیاست داخلی و خارجی رفت و مذاکرات جلسه علمی مجلس شورای ملی تغییر یافته بود و چون در آن هنگام آقای دکتر بقائی سازمان جوانان ناظر در امر انتخابات را اداره می کردند همان اوان فکر تشکیل یک حزب قوی بنام زحمتکشان با کمک آقای خلیل

ملکی میریزی که از اعضای فعال و مؤثر حزب سابق توده بود و بعداً بعنوان نماینده حزب توده در مجلس شورای ملی برگزیده شد. در آن زمان در کابینه دولت مصدق عضویت داشت. وی دربارۀ ارتباط با امریکاییان چنین مینویسد:

«برای اداره کردن امور تبلیغاتی مربوط به جنبه ملی کمیسونهای مخصوص تبلیغات جنبه ملی بطوریکه سابقاً به آن اشاره شد، هر هفته در منزل یکی از آقایان مدیران جراید وابسته به جنبه ملی تشکیل میگردد و در ضمن ناهار و مدتی که پس از صرف ناهار وقت کار موجود بود، نقشه های مربوط به انتشار اخبار و مقالات و طرز مبارزه با نمایندگان مختلف با آقایان جنبه ملی و جراید انگلیسی و شماری که در آنوقت همکاری و مساعدت با خواسته های حقیقی جنبه ملی که آزادی مطبوعات و آزادی انتخابات و اصلاح قانون حکومت نظامی بود نمینمودند، مین و مقرر میگردد و افراد این جلسات را آقایان دکتر فاطمی، دکتر بقائی، حسین سکی، حسن صدر، جلالی نائینی و اینجانب تشکیل میدادند. ولی کمیسون سیاسی جنبه ملی فقط مرکب از آقایان حائری زاده - حسین فاطمی - حسین سکی - دکتر بقائی - جلالی نائینی و اینجانب تشکیل میشد که برای روشن شدن سیاست روز غالباً جلساتی داشته و آقای میراشرفی هم در این جلسات دعوت و شرکت نمینمودند و بمناسبت قیام روزنامه آتش بر علیه دولت رژیم آراء و تعقیب خواسته ها و اهداف اساسی جنبه ملی شرکت مدیر روزنامه آتش در این کمیسونها و ملاقاتهای سیاسی بیفک جنبه ملی تمام میشد و علاوه بر اینکه در باغ صبا خانه آقای میراشرفی با سائیل آبرومند آن در مقابل درختانی که باین جلسات دعوت میشدند در اختیار کمیسون سیاسی قرار میگرفت روزنامه آتش هم مبارزه بسیار مؤثر و آبرومندی در پیشرفت منویات جنبه ملی نمود و چون از جراید برتری از سراسر مایه دار پایتخت بود اقداماتش مورد کمال استفاده قرار میگرفت.

... میبایست باغ صبا در منزل آقای میراشرفی شروع شد و آقای دکتر فاطمی مشغول فعالیت شدید گردید و شب اول آقایان ویلز مستشار سفارت آمریکا و آقای دیشر آتش مطبوعاتی سفارت بر حسب دعوت آقای فاطمی حضور پیدا کردند و علاوه بر اعضای کمیسون مطبوعات و تبلیغات و سیاسی جنبه ملی این دو نفر هم در باغ صبا شرکت نمودند پس از شام توضیحات مفصلی در اطراف هدف جنبه ملی و علت مخالفت آن با دولت داده شد و چون در عمل بمناسبت عدم آشنائی آقایان مزبور با زبانهای فرانسوی و فارسی اشکالاتی پیش آمد، دکتر شد برای جلسه بعد از آقای دکتر گری آتش فرهنگ سفارت که بزبان فارسی آشنائی کامل دارند نیز دعوت شده و توضیحات بیشتری بوسیله مشارالیه بود. استحضار آقایان ویلز و دیشر داده شد.

شب ممبر فرانسید و علاوه بر آقایان مزبور آقای دکتر گری نیز در صفاقت باغ صبا حضور یافته و توضیحات همگی را با نهایت محبت برای آقایان ویلز و دیشر ترجمه نمودند و تقریباً مطالب و هدف کمیسون سیاسی و مطبوعات جنبه ملی بر آنان روشن شد و همان شب این مطلب مورد موافقت قرار گرفت که این کمیسونهای دوستانه هفته ای یکبار ادامه یافته ولی هر شب در منزل یکی باشد و همچنین مناسبت جلسه بعد در منزل آقای ویلز حضور یافتند.

خانم ویلز که فرانسه تقریباً زبان مادری ایشان میباشد کار ترجمه دکتر گری را تسهیل نموده و بزبان فرانسه بسیاری از محاورات بعمل می آمد و همچنین آقای دیشر هم چون اصلاً از اروپائیان قسمت شرقی و ایشان هم فرانسه خوب میدانستند. بیشتر موجبات پیشرفت صحبت گردید و آقای دکتر بقائی را معرفی و بدون واسطه مطالب را بر سر سینه و با توضیح میدادند و البته بتدریج مذاکرات سیاسی بطور اعم جریان یافته از وضع تشریح اهداف جنبه ملی بصورت مذاکره در اطراف مسائل سیاسی روز و سیاست داخلی و خارجی رفت و مذاکرات جلسه علمی مجلس شورای ملی تغییر یافته بود و چون در آن هنگام آقای دکتر بقائی سازمان جوانان ناظر در امر انتخابات را اداره می کردند همان اوان فکر تشکیل یک حزب قوی بنام زحمتکشان با کمک آقای خلیل

ملکی میریزی که از اعضای فعال و مؤثر حزب سابق توده بود و بعداً بعنوان نماینده حزب توده در مجلس شورای ملی برگزیده شد. در آن زمان در کابینه دولت مصدق عضویت داشت. وی دربارۀ ارتباط با امریکاییان چنین مینویسد:

«برای اداره کردن امور تبلیغاتی مربوط به جنبه ملی کمیسونهای مخصوص تبلیغات جنبه ملی بطوریکه سابقاً به آن اشاره شد، هر هفته در منزل یکی از آقایان مدیران جراید وابسته به جنبه ملی تشکیل میگردد و در ضمن ناهار و مدتی که پس از صرف ناهار وقت کار موجود بود، نقشه های مربوط به انتشار اخبار و مقالات و طرز مبارزه با نمایندگان مختلف با آقایان جنبه ملی و جراید انگلیسی و شماری که در آنوقت همکاری و مساعدت با خواسته های حقیقی جنبه ملی که آزادی مطبوعات و آزادی انتخابات و اصلاح قانون حکومت نظامی بود نمینمودند، مین و مقرر میگردد و افراد این جلسات را آقایان دکتر فاطمی، دکتر بقائی، حسین سکی، حسن صدر، جلالی نائینی و اینجانب تشکیل میدادند. ولی کمیسون سیاسی جنبه ملی فقط مرکب از آقایان حائری زاده - حسین فاطمی - حسین سکی - دکتر بقائی - جلالی نائینی و اینجانب تشکیل میشد که برای روشن شدن سیاست روز غالباً جلساتی داشته و آقای میراشرفی هم در این جلسات دعوت و شرکت نمینمودند و بمناسبت قیام روزنامه آتش بر علیه دولت رژیم آراء و تعقیب خواسته ها و اهداف اساسی جنبه ملی شرکت مدیر روزنامه آتش در این کمیسونها و ملاقاتهای سیاسی بیفک جنبه ملی تمام میشد و علاوه بر اینکه در باغ صبا خانه آقای میراشرفی با سائیل آبرومند آن در مقابل درختانی که باین جلسات دعوت میشدند در اختیار کمیسون سیاسی قرار میگرفت روزنامه آتش هم مبارزه بسیار مؤثر و آبرومندی در پیشرفت منویات جنبه ملی نمود و چون از جراید برتری از سراسر مایه دار پایتخت بود اقداماتش مورد کمال استفاده قرار میگرفت.

... میبایست باغ صبا در منزل آقای میراشرفی شروع شد و آقای دکتر فاطمی مشغول فعالیت شدید گردید و شب اول آقایان ویلز مستشار سفارت آمریکا و آقای دیشر آتش مطبوعاتی سفارت بر حسب دعوت آقای فاطمی حضور پیدا کردند و علاوه بر اعضای کمیسون مطبوعات و تبلیغات و سیاسی جنبه ملی این دو نفر هم در باغ صبا شرکت نمودند پس از شام توضیحات مفصلی در اطراف هدف جنبه ملی و علت مخالفت آن با دولت داده شد و چون در عمل بمناسبت عدم آشنائی آقایان مزبور با زبانهای فرانسوی و فارسی اشکالاتی پیش آمد، دکتر شد برای جلسه بعد از آقای دکتر گری آتش فرهنگ سفارت که بزبان فارسی آشنائی کامل دارند نیز دعوت شده و توضیحات بیشتری بوسیله مشارالیه بود. استحضار آقایان ویلز و دیشر داده شد.

شب ممبر فرانسید و علاوه بر آقایان مزبور آقای دکتر گری نیز در صفاقت باغ صبا حضور یافته و توضیحات همگی را با نهایت محبت برای آقایان ویلز و دیشر ترجمه نمودند و تقریباً مطالب و هدف کمیسون سیاسی و مطبوعات جنبه ملی بر آنان روشن شد و همان شب این مطلب مورد موافقت قرار گرفت که این کمیسونهای دوستانه هفته ای یکبار ادامه یافته ولی هر شب در منزل یکی باشد و همچنین مناسبت جلسه بعد در منزل آقای ویلز حضور یافتند.

خانم ویلز که فرانسه تقریباً زبان مادری ایشان میباشد کار ترجمه دکتر گری را تسهیل نموده و بزبان فرانسه بسیاری از محاورات بعمل می آمد و همچنین آقای دیشر هم چون اصلاً از اروپائیان قسمت شرقی و ایشان هم فرانسه خوب میدانستند. بیشتر موجبات پیشرفت صحبت گردید و آقای دکتر بقائی را معرفی و بدون واسطه مطالب را بر سر سینه و با توضیح میدادند و البته بتدریج مذاکرات سیاسی بطور اعم جریان یافته از وضع تشریح اهداف جنبه ملی بصورت مذاکره در اطراف مسائل سیاسی روز و سیاست داخلی و خارجی رفت و مذاکرات جلسه علمی مجلس شورای ملی تغییر یافته بود و چون در آن هنگام آقای دکتر بقائی سازمان جوانان ناظر در امر انتخابات را اداره می کردند همان اوان فکر تشکیل یک حزب قوی بنام زحمتکشان با کمک آقای خلیل

۷- درباره شعار ملی کردن صنایع نفت

بپایه همان دراضت، رهبری حزب توده ایران همه چیز جنبه ملی را با سوزن ارتباط با امریکاییسم آمریکا از بیایی میگرد، و از آنجمله بود شعار ملی کردن صنایع نفت در سراسر کشور. مسلم بود که امریکاییسم آمریکا از دیرزمانی در تلاش بود که منابع عظیم از نفت بدست آورد. هنوز صنایع عظیم نفت عربستان سعودی و ساحل جنوبی خلیج فارس در ابعاد کسوفی اکتشاف نشده بود. بر اساس همین گوش بود که دولت آمریکا در سال ۱۹۳۲، با دولت زور و خانی مساعدتنامه ای، با تأیید دولت انگلیس، برای انعقاد قراردادی برای اکتشاف ربره برادر نفت احتمالی موجود در مناطق وسیعی از ایران با دولت ایران وارد بند و بست مخفیانه شد. تصویب این قرارداد برای اقدام متقابل اتحاد شوروی خنثی گردید. دکتر مصدق در نامه ای در این باره به سبب اتحاد شوروی نوشته بود: از بیایی زیرین را درباره مناسبات ایران و آمریکا و شوروی داده بود:

«در جلسه ۱۹ مردادماه ۱۳۳۳ که بطور ناگهانی دولت برای سؤال بقائی بقائی نمایندگان را راجع به مذاکرات امتیاز نفت با شرکتی آمریکائی به مجلس آمد، یکی از اعضاء فراکسیون توده چنین اظهار نمود:

«بند و رقابت با دادن امتیاز به دولت های خارجی بطور کلی مخالفیم. همان طور که ملت ایران توانست راه آهن خود را احداث کند، یقین دارم که با کمک مردم و سرمایه داخلی ما میتوانیم تمام منابع ثروت این مملکت را استخراج نماییم»

چون این بیانات مطابق فکر من بود، لازم دانستم در این باب مطالعات عمیق کنم و از روی مدارک نظریات خود را مستقلاً در مجلس بیان نمایم. بنابراین مشغول تهیه لایحه ای شدم برای اینکه هر وقت پیشنهاد امتیاز شرکتی آمریکائی در مجلس مطرح شود، از آن استفاده نمایم. خوشبختانه ورود جناب آقای کاتارادزه به تهران منجر شد که با وظایف آمریکائی از پیشنهاد خود صرف نظر کنند و فرصتی بدست نیامد که نظریات خود را در موضوع معادن نفت ایران در مقام مخالفت با شرکتی آمریکائی بیان کنم... و چون مستخدم که اتحاد شوروی حق بزرگی بر ما دارد و ما را از مخاطر حیاتی نجات داده است، میل نداشتم تریبی پیش آید که از امتیاز شوروی در مجلس نتوانی بشود و اینجانب از نظر مخالف نظریاتی اظهار نمایم. این بود که برای جلوگیری از چنین حاله ای، در جلسه هفتم آبان ۱۳۳۳ مجلس شورای ملی، نطق خود را ایراد نمودم و برای اینکه راهی برای مذاکره باز شود، طرحی اقتضای خاطر نشان نمودم که مخازن نفتی ما بدون اینکه امتیازی داده شود، مورد استفاده صنایع شوروی واقع گردد.»

در نامه دکتر مصدق به سبب سبب اتحاد شوروی سبب گفته میشود:

«جناب آقای سفیر، امیدوارم که نرفهائید من به مقام و موقعیت دولت شما علاقمندم. علاقه من به موقعیت دولت شما از نظر مصالح ایران است و چنانکه در صورت غلبه ظاهر و باطن، گذشته شهادت گرفته است که هر وقت دولت شوروی از صحنه سیاست ایران غائب شده است، روزگار ایران تپاه شده است...»

در آن دوران که شمار همه نیرو های دیگر، در مبارزه ای که اوج می بود و در تازه از تمییدگاهها به تهران

۶- تاسیس جنبه ملی و ترکیب آن

دلائل مسلمی که موجب این اشتباه رهبری حزب توده ایران شد، همان ترکیب اولیه موسسین جنبه ملی بود که بین آنها تعداد زیادی از اعضای بودند که برای حزب، ارتباط آنها با امریکاییستهای امریکائی جای هیچگونه تردیدی باقی نمانده است.

از میان ۱۹ نفر موسسین اولیه جنبه ملی، برای حزب توده ایران مسلم بود که دکتر مظفر بقائی، حسین سکی، حائری زاده، عبدالقدیر آزاد، عباس خلیلی، عمیدی نوری، احمد ملکی، جلالی نائینی، وارسلان خلعتبری سرسپردگان به امریکاییسم آمریکا بودند. پشتیبانی کسانی مانند میراشرفی، مدیر روزنامه آتش، مفید فی الارض معدوم، از جنبه ملی، که جلسات مشترک گروه با با جاسوسان سفارت آمریکا در منزل تشکیل میشد و با آن اطلاع داشتند، رهبری حزب را در این زمینه بافشارت میگرد. بویژه این فشاری وقتی شدیدتر میشد که رهبری حزب اطلاعات کاملی در دست نداشت که دکتر مصدق از ارتباط این گروه با سفارت آمریکا کاملاً واقف بود و ولی هرگز قدمی در راه جدا کردن خود از تحریکات این گروه برنمیداشت و دم-خروس را در جیب جنبه ملی باقی نگاه میداشت.

برای اینکه این ادما هارا با دلائل

اصل قانون اساسی را در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی اجرا کنید

دکتر مصدق و یارانش از بخوبی از تمام این توطئه ها اطلاع داشتند و میدانند که چگونه این توطئه گران زیر پوشش ایشان برای سیاست خیانتکارانه رایجده میکردند، ولی گمانی در راه خنثی کردن آن برنمیداشتند.

حزب توده ایران از نقشه های شوم امریکاییسم آمریکا و از همه جریانها که در بالا آورده شد اطلاع داشت و سکوت تصویب آیین دکتور مصدق را برای تحریکات دشمنانه باند مظفر بقائی و خلیل ملکی و سایر عوامل سرسپرده به امریکاییسم آمریکا را دلیلی برای ارزیابی خود میدانست.

در زمان تشکیل جنبه ملی، اکثریت افراد رهبری حزب توده ایران در زندان بودند و تازه از تمییدگاهها به تهران

حزب توده ایران و دکتر مصدق

بقیه از صفحه ۴

گرفت، دور «استیفا» حقوق ملت ایران از شرکت نفت جنوب دور میزد، حزب توده ایران به لزوم کوتاه کردن دست غاصب شرکت نفت انگلیسی از منابع نفت ایران تکیه میکرد و آفریگانه راه قطعی تامین حقوق ملی ما میدانست. واقعیت هم اینست که محتوی شمار کوتاه کردن دست غاصب شرکت نفت جنوب با ملی کردن صنایع نفت در آن تاریخ عملاً یکی بود، زیرا همه نیروهای زیرزمینی استخراج شده در ایران بطور عمده در متعلق دولت، یعنی ملی بودند. آنچه ملی نبود و ملی امتیازی به غارتگران انگلیسی واگذار شده بود، همان منابع و صنایع نفت جنوب، یعنی موضوع قرارداد داری بود، که بدست رضاخان و به کارگردانی تقی زاده، در سال ۱۹۳۳ تمدید و تأیید شده بود.

با داشتن آن سوابق درباره تلاش امپریالیستهای آمریکایی برای تصاحب نفت ایران و با «دم خروس» های عدمی از موسسین جبهه ملی در ارتباط با سفارت آمریکا، حزب توده ایران طرح شعار ملی شدن نفت در «سراسر ایران» را یک توطئه ای ارزیابی کرد که هدفش پیدا کردن راه جدیدی برای واگذاری منابع نفتی سراسر ایران به انحصار امپریالیستهای آمریکایی بود. این اشتباه هم جزئی بود از اشتباه اساسی رهبری حزب درباره یکی دانستن جناح ملی جبهه ملی، یعنی دکتر مصدق و یارانش، با جناح امپریالیستی جبهه ملی، یعنی بقایای مکی، ملکی و عینی، نوری و همه داروئستهای که بعداً به صفوف کودتایچیان ۲۸ مرداد پیوستند.

۸- تشکیل دولت دکتر مصدق

با روی کار آمدن دولت دکتر مصدق و روشنگری شدن ریزگویی سیاست او، اختلاف نظر در رهبری حزب توده ایران در زمینه ارزیابی موقعیت پراهمیت دکتر مصدق شدید شد. در عین اینکه اکثریت هیئت اجرایی، علیرغم اقباضات، لاجوازه در ارزیابی نادرست گذشته بافتاری می- کرد، اقلیتی مسرانه خواستار تجدید نظر در آن ارزیابی نادرست و پشتیبانی از سیاست دکتر مصدق بود. ولی این برخورد، بر پایه لزوم رعایت اصول سازمانی حزب، که بر پایه تبعیت اقلیت از اکثریت قرار داشت، بازتابی خارج از رهبری پیدا نکرد.

اکثریت هیئت اجرایی ارزیابی خود را بویژه بر اساس جنبه های ارتجاعی سیاست دکتر مصدق، پس از تشکیل دولت، پدید میگردید. واقعیت هم این بود که دکتر مصدق در زمینه سیاست داخلی و در زمینه مبارزه برای محدود کردن فعالیت های خرابکارانه امپریالیسم آمریکا، که رشته های مهمی از حیات سیاسی و نظامی و اقتصادی ایران را با چاسوسان خود بنام کارشناسان نظامی اصل ۴ ترمون و غیره قبضه کرده بود، هیچگونه اقدامی نمیکرد.

دولت دکتر مصدق حزب توده ایران را زیر فشار غیرقانونی بودن تکپاداشته بود و در همین حال میدان را برای فعالیت همه گروه های ضدانقلابی، مانند حزب آمریکایی زحمتکشان مطلق بقایای و خلیل ملکی، سومکا و همه گروه های دیگری که بنام اسلام تنها برای مبارزه علیه حزب توده ایران بوجود آمده بودند، مطلقاً باز گذاشته بود.

دولت دکتر مصدق، برای مطمئن ساختن امپریالیستهای آمریکایی از سرشناس ترین چاسوسان آمریکایی مانند سرلشکر زاهدی و در شهری را در دولت خود راه داده بود و ارتش را در اختیار شاه مخلوع و چاسوسان آمریکایی باقی گذاشته بود. در مقابل این استدلالات اکثریت رهبری حزب توده ایران، اقلیت انظور استقلال میگرد که با وجود این ضعف و جنبه های محافظه کارانه و سازشکارانه و اعتماد مصدق به کمک آمریکا، او در مواضع سازدانه ضد امپریالیستی قرار گرفته و باید از این موضعگیری او، علیرغم همه ضعفها و کمبودهای سیاسی، پشتیبانی کرد.

این اختلاف بویژه در ارزیابی حادته ۲۳ تیر ۱۳۳۰ بشدت بروز کرد. اکثریت (۵ نفر از ۸ نفر) کشتار مردم را یک توطئه از طرف دکتر مصدق، که گویا در صدد سازش با امپریالیسم آمریکا و انگلیس بود، ارزیابی کرد و تمام حملات خود را علیه دکتر مصدق موجه ساخت.

در حالیکه اقلیت رهبری (۳ نفر از ۸ نفر) عقیده داشت که این توطئه ای است از طرف دربار و امپریالیسم آمریکا علیه دکتر مصدق یا هدف سرنگون ساختن او. این اختلاف نظر در ارزیابی نسبت به دکتر مصدق در میان افراد رهبری حزب در مهاجرت هم وجود داشت و در آنجا هم اقلیتی در جهت لزوم تجدید نظر در ارزیابی نسبت به دکتر مصدق در برابر اکثریتی، که ارزیابی رسمی حزب را تأیید میکرد، قرار داشت.

تجربه دردناک مبارزات سالیانه ۳۱-۳۰ لازم بود تا آنکه اکثریت رهبری حزب توده ایران بالاخره در آستانه تدارک کودتای امپریالیستی شام-توم، در تیرماه ۱۳۳۱، به اشتباه خود پیبرد و در جهت تصحیح موضعگیری حزب کام گذارد. در فاصله بین ۳۰ تیر ۱۳۳۱ و مرداد ۱۳۳۲، صرف نظر از برخی کمبودها در آغاز این دوران، حزب توده ایران بر پشتیبانی خود از دکتر مصدق روز بروز مینافذ و در عین اینکه ضعفهای جدی سیاست او را در مقابله با ضد انقلاب، با سرسپردگان امپریالیسم، با پیگیری و بطور جدی تذکر میگردید.

مسلم است که بلافاصله پس از اشکست کودتای ۳۰ تیرماه شام - قسوم، امپریالیستها ساکت ننشستند و با تمام قوا برای تدارک کودتای نظامی جدیدی دست یگاز شدند.

توطئه کودتای شهریورماه ۱۳۳۱ تنها بر اثر پیدایش حزب توده ایران، که با کمک شاخه افسری خود از توطئه خیرباد شده بود، خنثی گردید. و این در حالی بود که دولت دکتر مصدق فشاروری حزب ما را پس از ۳۰ تیر باز هم زیادتیر کرده و روزنامه بسوی آینده، بملت افشاری علیه خیانت دربار پهلوی، توقیف شده بود. در ۱۶ شهریور ماه ۱۳۳۱، حزب توده ایران در روزنامه «وزم آوران»، که بجای «بسوی آینده» - که بملت افشاری در افشای گردانندگان توطئه ۳۰ تیر، یعنی دربار امپریالیستهای انگلیسی و آمریکایی، از طرف دولت دکتر مصدق توقیف شده بود - منتشر میگردید، توطئه کودتای دربار و ارتش را افشا کرد و نوشت:

«طبق اطلاع موقر در روز ۱۴ شهریور به گردان تندرویوت و هاروارد و تپ شکاری دستور داده اند که هواپیماها را فوریت برای یک ماموریت آماده نمایند و مالزیل لازم را بستانند. پرسنل این هواپیما نیز روز بعد تعیین و ۶ تندرپوت و چهار هارلیکن حاضر به عمل گردیده و از جهت تیراندازی و بمب آماده شده از تهریز بسوی یکی از شهرستانها پرواز کرده اند تا در روز کودتا از دسترس مرد تهران خارج باشند و بتوانند بر فراز تهران پرواز نموده و مردم قهرمان تهران را بمباران کنند.»

همان روزنامه، روز بعد، خطاب به سربازان و افسران و درجه داران نوشت:

«سربازان، گروهانان، درجه داران، افسران شرافتمند ارتش، سربازان را که در اختیار دارید، برای سرما و گرما نیست، برای این نیست که فرمان دشمنان ملت برای سرگویی فرزندان قهرمان و سپهر پرست بکار رود، بلکه برای حفظ استقلال و حاکمیت ملی و قطع وقوع و لارومار کردن دشمنان ملت ایران است. شما میتوانید و باید توفان کودتا را به جنگ ضد عمل کودتا مبدل سازید.»

دولت دکتر مصدق ابتدا این هشدار را با بی اعتنائی تلفی کرد. اما جریان حوادث درستی پیشگویی حزب توده ایران را تأیید کرد. سخنوری دولت، روز ۲۱ سرباز به اشاره به کشف توطئه کودتا اظهار داشت:

«چون گزارشهایی از عملیات سرلشکر باژنشست عیدالرحمن حجازی و برادران رشیدیان رسیده بود که به محبت آقای سرلشکر زاهدی و بعضی افراد دیگری که دارای مصوبیت پارلمانی هستند، به نفع یک سفارت اجنبی مشغول توطئه و تفریح میباشند، نامبردگان که مصوبیت پارلمانی نداشته اند، امروز صبح از طرف فرمانداری نظامی بازداشت و به زندان شهربانی تحویل گردیدند.»

جلسات کودتایچیان در منزل سرلشکر زاهدی، با شرکت ۷ تن از سناتورها و چهار نماینده مجلس و عده ای از افسران ارتش، مانند سرلشکر حجازی، سرتیپ آریانا و دیگران تشکیل میشد. اینها با سفارت انگلیس و آمریکا در ارتباط مستقیم بودند. شاخه دیگر کودتایچیان با شرکت سید ضیاءالدین طباطبائی سر- چاسوس امپریالیسم در ایران، علم، زاهدی و میدتون، کاردار سفارت انگلیس در خانه سناتور خواجهمیرزا فیضی، در

پاوجوداین توطئه و اعتباری بازداشت شدگان به اینکه از رکن دوم و دربار کمک مالی میگرفته اند، دولت دکتر مصدق هیچ اقدامی اساسی برای سرکوب و ریشه کن کردن این توطئه و جلوگیری از توطئه های بعدی انجام نداد. با اینکه دخالت مستقیم امپریالیسم آمریکا در این توطئه مسلم بوده، دکتر مصدق، در جلسه ۲۴ سرباز خود، که برای فراتر نشدن اکثریت یا مردم در میان گذاشت، حاضر نشد نام آمریکا را بعنوان یکی از عاملین کودتا ببرد. او در این گزارش تنها انگلستان را نامبرد و گفت:

«تنها ملی ایران از روز اول یا کار- شکنی و تحریکات عوامل شرکت سابق و دولت انگلیس در داخل و خارج کشور روپرو گردید.»

در تمام این گزارش مفصل، که علیه دخالتی دولت انگلیس تهیه شده بود، حتی یکبار هم نامی از امپریالیسم آمریکا، یعنی متحد انگلستان برده نشده است. البته دکتر مصدق در این روز به یک اقدام جسورانه تاریخی دست زد و قطع رابطه سیاسی با انگلستان را مطرح کرد، ولی با کمال تأسف با این اقدام مار امپریالیسم را تنها زخمی کرد و مار زخمی خورده را به صورت سفارت امپریالیسم آمریکا، کارشناسان نظامی آمریکا، که ارتش و ژاندارمری و پلیس ایران را در چنگ خود داشتند - و چاسوسان اصل ۴ ترمون آمریکا، بصورت دربار و همه وابستگان، بصورت گروه های خطرناک سیاسی وابسته به آمریکا، یعنی بقایای مکی، میراشرفی، خلیل ملکی، سومکائی، سینضیاء و... باقی گذاشت و تنها فشار را روی حزب توده ایران افزود و لاجوازه از دادن امکان فعالیت آزاد قانونی به حزب توده ایران سر باز زد، با اینکه محاکم دادگستری دولت خود او، تصدیقات سال ۱۳۲۷ دولت را دائر غیرقانونی اعلام کردن حزب توده ایران و محکومیت رهبرانش، با تمام صراحت غیرقانونی و همه احکام صادره از سوی دادگاههای نظامی علیه حزب توده ایران را کان لم یکن و بدون اعتبار اعلام کرده بود.

هر اندازه دکتر مصدق در پافشاری در راه عدم پذیرش شرایط تحمیلی امپریالیسم انگلستان، که دیگر بطور روشن از طرف آمریکا، مورد حمایت علنی قرار گرفته بود، پیگیر بود، همان اندازه به ۳ دشمن برای خنثی ساختن دستپاچه های ۱۳ دشمن جبهه ملی، یعنی آمریکا و انگلیس و ارتجاع ایران، به گزاران دربار خائن پهلوی، سستی وعدم قاطعیت نشان میداد. کودتایچیان با آزادی و اطمینان خاطر از اینکه دکتر مصدق هیچ اقدام جدی علیه آنان نتواند کرد، مشغول تدارک یک توطئه پس از دیگری بودند و هیئت مستشاران آمریکایی در ارتش و ژاندارمری و سفارت آمریکا تقریباً علنی این توطئه ها را رهبری می- کرده.

دکتر مصدق باز هم امید داشت که امپریالیسم آمریکا را از انگلستان جدا کند و به حمایت از انقلاب ایران وادار سازد. حتی خیانت روشن آن عده از موسسین و اعضاء جبهه ملی، که بسا آمریکا در ارتباط بودند، یعنی دارو دست بقایای مکی، حاجی زاده و انصارشان، هم کافی نبود که دکتر مصدق را به تغییر بنیادی موضع گیری در سیاست داخلی و خارجی متقاعد سازد.

حزب توده ایران در میان دسته های ارتشی تدارک بیننده کودتا افراد معدودی داشت که میتوانستند بسیاری از نقشه های کودتایچیان را با موقعی به حزب اطلاع دهند. این رفا خدمات گرانبایی برای فاش ساختن چندین توطئه کودتایی جلوگیری از آنها نشان دادند. ولی با کمال تأسف دستگاه اجرائی دکتر مصدق، چه در ارتش و سایر نیرو های نظامی و چه در مجموع وزارتخانه ها و سازمانهای دولتی، کاملاً در دست عناصر وابسته به دربار و آمریکا و انگلیس بود. هیچگونه تصفیه جدی در این دستگاه عظیم بوجود نیامده بود. درست است که هواداران دکتر مصدق عده ای از مقامات بالائی ارتش و دولت را اشغال کرده بودند، ولی درباره بسیاری از این هواداران نمیتوانستند هیچگونه تصدیق بگویند؛ فدا داشتن چنین دوستانی هیچ احتیاج به دشمن نداریم؛ این هواداران، در دورانی که توطئه های امپریالیستی های آمریکایی و انگلیسی هر روز وقیحانه تر و عریان تر میشد و همکاری دربار و تمام ارتجاع ایران

۹- در آستانه کودتای ۲۸ مرداد

هر روز که به ۲۸ مرداد نزدیک تر میشدیم، آثار و نمونه های شدت یافتن خطر زیادتیر میشد، و بهمان تناسب هم، صدای بیدار باشا و هشدار باش های حزب ما رساتر میگردد.

در رهبری حزب توده ایران، شناخت درست از ماهیت سیاست دکتر مصدق و لزوم پشتیبانی همه جانبه از این سیاست، که دارای ماهیت ضد امپریالیستی بود، مورد تأیید همه قرار گرفته بود.

حزب توده ایران با اطلاع و حساب دقیق از اسامی و نیروهای خودی و نیروهای دشمن (دربار و ارتش گوش پیرامانی عمال امپریالیستهای آمریکا و انگلیس، همه مترجمین یعنی طبقات حاکم کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان و بخصوص بخش جدا شده از جبهه ملی) باین نتیجه رسیده بود که جلوگیری از کودتا تنها در صورت اتحاد و همکاری همه جانبه همه نیروهای ضد امپریالیستی، یعنی نیروهای توده ای و دکتر مصدق و هواداران راستین او امکان پذیر است. تنها چنین اتحادی میتوانست قشرهای وسیع مردم را برای مقابله همه جانبه علیه مصالح امپریالیستی و دربار پهلوی بکشد.

ببینیم جهت هم حزب توده ایران همواره از مردم دعوت میکرد که برای مقابله با کودتا آماده شوند. ولی از طرف دولت دکتر مصدق همه گروه های وابسته به جبهه ملی، درست در جهت عکس حزب ما عمل میکردند و بجای نشان دادن

باین توطئه ها علنی تر میگردد، هیچ وظیفه دیگری برای خود قائل نبودند جز اینکه با کمک همان دستگاه جبهه ملی، در رهجا اعضا هواداران حزب مارا، که در این مرحله پیگیرترین هواداران و پشتیبانان موانع ضد - امپریالیستی دکتر مصدق بودند، شناسایی و از پستیهای حساس برکنار کنند. روزنامه ها، که نظرات حزب را منعکس میکردند و توطئه های خیانت آمیز دربار را افشا مینمودند، یکی پس از دیگری بوسیله حکومت نظامی دکتر مصدق توقیف میشدند. مبارزان حزب ما، که با پیگیری توطئه های دربار را فاش میکردند و میکوشیدند مردم را از خطر کودتا برحذر دارند، چه و راست بوسیله مامورین پلیس و فرمانداری نظامی، که اکثر از گماشتگان دربار بودند، بازداشت میشدند. گروه های وابسته به ضد انقلاب، مانند چاقو کشان حزب زحمتکشان بقایا، که داستان بوجود آمدن و هدفهایشان در ارتباط با سفارت آمریکا قیلا یادآوری شد، نیروی سوم های خلیل ملکی، سومکالی و چاقو کشان زورور سفارت آمریکا، یعنی همان پاند شیمان با هم، کار دیگری نداشتند جز تحریک و بسیج علیه فعالیت سیاسی حزب توده ایران. تظاهرات حزب توده ایران، که همگی در جهت افشای توطئه های آمریکا و انگلیس و دربار بود، تقریباً بدون استثنا مورد تهاجم و خنثی این پاندها قرار میگرفت.

حتی توطئه آشکار انگلیسی- آمریکایی- درباری ۹ اسفند ۱۳۳۱، که طی آن قتل رزیدانله دکتر مصدق و یاران باوفاش طرح ریزی شده بود، کافی نبود که دکتر مصدق را درباره خطری که هم شخص او و هم مجموعه جبهه ملی ایران ملت ایران را تهدید میکرد، در همه ابداش ارزیابی کند و از آن نتیجه گیری نماید.

برای حزب ما، توطئه ۹ اسفند جدی ترین فاقوس خطر بود و مادامیکه تردید نداشتیم که جبهه متحد همه نیروهای دشمن تصمیم آخرین خود را گرفته و لحظه باید در انتظار ضربه تازه ای بود. اینکار عمل در این زمین در دست امپریالیست ها و کارگزاران ایشان بود.

توطئه ربوبین و قتل سرلشکر محمود افشارطوس، رئیس شهربانی دکتر مصدق، بوسیله پانده چاقو کشان آمریکایی و درباری با شرکت مطلق بقایای سپید زاهدی و روشنی شخص می کرد که کودتایچیان میکوشند اطراف مصدق را از کلیه عناصر پرک برای آنان ناطمشن بودند، خالی کنند.

این توطئه فاش شد و دقیقاً معلوم شد که چه پشتیبانی در پشت آن بودند. عاملان مستقیم این جنایت بازداشت شدند. تمام درخواستها و فریاد های حزب ما فاش نه محاکمه و مجازات شدید این جانیان، که میتوانست ضربه ای جدی علیه مرکز توطئه باشد، از طرف دکتر مصدق برپاسخ نماند. درست مثل اینکه چشم گوش دکتر مصدق در این جهت، یعنی در جهت دیدن خطر کودتا و شنیدن برحذر باشا بکلی از کارگردانان ایستاده بود.

۱۰- رویدادهای روزهای آخر مرداد ماه ۱۳۳۲ - کودتای ۲۸ مرداد

پس از رویداد ۳۰ تیر، آخرین رهبرین روز ۹ اسفند ۱۳۳۱، بویژه پس از زدودن و قتل افشارطوس و اظهار سرخ رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا، آیزنهاور، که با کمال وقاحت اعلام کرد:

«دکتر مصدق امروز صبح در روزنامه ها خوانده اند که مصدق توانست بر پهلوانان فائق آید و خود را از آن خلاص سازد. البته مصدق در این اقدام از حزب کمونیست ایران استفاده میبرد.»

تمام این اوضاع آن صفحات برای آمریکا شور و غصه است.

زیرا اگر دنیا این تقابل را از دست بدهد، چگونه میتواند امپراتوری لروتمند آلونزی را نگاه دارد.

در این صورت ملاحظه میکنید که این راه را در چنانی باید مسدود کرد و دیر یا زود بایستی مسدود گردد و ما مصمم به این کار هستیم.»

بدینسان دیگر مسلم بود که تدارک کودتا با تمام امکانات امپریالیسم در جریان است و هر شب میتوان در انتظار آن بود.

روز ۱۸ مرداد، حزب توده ایران هشدار داد که جبهه متحدی از سرپرترین دشمنان ملت بوجود آمده و دربار و سفارت آمریکا مرکز توطئه ای هستند که هدفش برانداختن دولت است.

حزب ما در میان نظامیان هوادار رژیم شاه مخلوع که مامور تدارک کودتا بودند، هواداران شناخته نشده ای داشت و از راه آنها اطلاعاتی بدست می آورد.

روز ۲۱ مرداد با اطلاع رسید که مقدمات اجرای کودتا در لشکر گارد و سایر واحدهای مورد اطمینان شاه مخلوع فراهم شده و در انتظار تعیین ساعت عمل هستند. این اطلاع را سرهنگ میرشی در ساعات نزدیک به نیمه شب به منزل من آورد.

از همان منزل، من کوشش کردم با دکتر مصدق تماس بگیرم. برای اینکه اطمینان اورا به درستی مبداء خبر مطمئن سازم، همسر مریم، که بستگی و آشنائی با دکتر مصدق و خانم دکتر مصدق داشت، به اندرونی تلفن کرد و خانم را خواست و بوسیله خانم دکتر مصدق، دکتر را برای تلفن خواستیم. ما این راه ارتباط را تا آخرین ساعات روز ۲۸ مرداد حفظ کردیم.

روز ۲۳ مرداد، باز هم حزب ما در صبح خود خطر کودتای قریب الوقوع را منتشر ساخت.

روز بیست و سوم، به انداز نظر، باز هم سرهنگ میرشی بمنزل من آمد و خبر آورد که برای شب قرار قطعی حمله لشکر گارد گذاشته شده است و دشمنان اسمی برخی از افسران بالارته ای را، که گرداننده کودتا بودند، باخود آورد.

در میان این اسمی نام سرتیپ دفتری هم بود، که خواهی زاده دکتر مصدق بودند اعتماد او بود و از طرف او به ریاست شهربانی کل کشور منصوب شده بود.

من در همان ساعت با بازارها اندرونی با دکتر مصدق ارتباط گرفتم و به او گفتم: «آقای دکتر! توطئه کودتا قطعی است. کودتایچیان در کنار هم جا گرفته اند. نام کودتایچیان چنین است: سرتیپ دفتری، که ساعت ۱۰ و ۱۱ اعتماد دارید، با آلمان ارتباط دارد. ما اطمینان داریم که دوستان شما در ارتش، که در پشتیهای فرماندهی هستند، عرضه ولایت هیچ اقدامی را ندارند. ما دوستان بسیاری از روش و فداکاری در میان افسران داریم که پشتیبانی حساس فرماندهی ندارند. ما حاضریم این افراد را به شخص شما معرفی کنیم. از آنها برای دفاع خانه خودتان و برای پشتیبانی

اخبار کارگری

کارگران معدن خاک چینی زنون هشدار می دهند

کارگران معدن خاک چینی زنون (از توابع مرند) اخیراً ضمن نامه ای سرکشاده به امام خمینی تقاضا کرده اند که با خواست قانونی آنها موافقت شود. در این نامه کارگران خواستار «حق استفاده از سرویس چیت رفت و برگشت» شده اند و از جمله گفته اند: «در تمام مدت بیست سال گذشته ما کارگران، مسیر کوهستانی و صعب العبور زنون- معدن را که حدود ۶ کیلومتر است پیاده طی کرده ایم... ما باید همه روزه حداقل از ساعت ۵/۵ صبح راه بیافتیم تا ساعت ۷ در معدن و سر کار حاضر باشیم. با توجه به اینکه سن اغلب ما کارگران ۴۵ سال به بالا است و در خیلی موارد نمی توانیم این راه را در زمانی کمتر از ۳ ساعت بپیماییم، در نتیجه غیبت می کنیم و مورد انواع بازخواست ها قرار می گیریم، و طبق مقررات هر کسی که ۱۵ دقیقه دیر برسد، بر گردانده می شود.»

کارگران در این نامه ضمن استمداد از امام خمینی، یادآور شده اند که مسئولین امور بیوسته وعده می دهند. کارگران اضافه می کنند که: «جواب های سر خرمن به سبک طاغوتیان را چگونه بپذیریم؟»

اخراج کارگران شرکت سارادل بهانه ای بیش نیست

شرکت سارادل که عهده دار احداث ساختمانی جهت رادیو تلویزیون مشهد است، اخراج حدود ۵۰ نفر از کارگران را به بهانه واهی نبودن بودجه اخراج کرده است. این کارگران در رشته های قالب بندی، آرماتور بند و بتون ریز مشغول بکار بودند و اکثریت کارگران را تشکیل می دادند. کارگران طی نامه شکواییه ای به اداره کل امور اجتماعی خراسان، بهانه کارفرما را رد کرده اند.

پاسخ کارگران بلورسازی پارس به کارفرما

کارفرمای بلورسازی پارس، طی نامه ای به سندیکای بلور- سازان و وزارت کار، از پابین بودن سطح تولید شکایت کرده و مسئولیت آن را متوجه کارگران دانسته است. کارگران بلورسازی در پاسخ به کارفرما نوشته و دلایل پابین بودن تولید را این چنین توضیح داده اند:

- ۱- نبودن تصدیه سیار گرم کن- به این ترتیب هوای شیشه ها کم می شود و شیشه ها خود بخود می شکنند.
- ۲- کارفرما به عنوان واکنش دهنده بر این بارافرن دستمزد ها، تعداد کارگران را به ازای هر دستگاه یک نفر کم کرده است.
- ۳- تعداد کارگرانی که روی کوره ها کار می کنند، کم است. نتیجه آن که پارکوره در بیشتر موارد پابین است.
- ۴- قطع برق، روزانه بمدت دو ساعت زنیاتور کارخانه نیز خراب بود و با قطع برق کارها می خوابید.
- ۵- فرسوده بودن وسایل کار از جمله خرابی قالب ها- قالبها سالها کار کرده و فرسوده شده اند. این امر به ترک برداشتن قالبها و خرابی شیشه ها منجر می شود.
- ۶- دور بودن گرمخانه ثابت- قبلا گرمخانه در نزدیکی دستگاهها بود و شیشه ها بلافاصله به گرمخانه منتقل می شدند، ولی فعلا فاصله گرمخانه تا دستگاهها زیاد است و محصولات کارخانه تا به آن جا برسد، می شکنند.
- ۷- خرابی مشعل- این امر باعث تغییر رنگ کوره می شود و در نتیجه شیشه ها چند رنگ مختلف بخود می گیرند.

همانطور که از دلایل بالا برمی آید، علت پابین بودن سطح تولید و مرغوب نبودن آن، فرسودگی دستگاهها و وسایل کار از یک طرف و کمی تعداد کارگران از طرف دیگر است و نه کم کاری کارگران. کارفرما بجای استخدام تعداد بیشتری کارگر و بهبود وسایل کار، سعی میکند با فشار آوردن به کارگران تولید را بالا ببرد.

کارگران می گویند: کارفرما نه حق دارد و نه می تواند تولید بیشتر را به قیمت جان کندن بیشتر کارگران در بهای دستگاهها تأمین کند. در حالی که خیل میلیونی کارگران بیکار در کشور وجود دارد. کارفرما ناگزیر است، هلیفر کم کوش ذاتی به کسب سود هر چه بیشتر، تعداد دیگری کارگر استخدام کند تا برخی از مشکلات کنونی کارخانه برطرف شود.

کارگران می گویند: «چون رادیو تلویزیون را دولت اداره می کند، بودجه آن هم وسیله دولت تأمین می گردد. بنابراین مسئله نبودن بودجه برای ادامه کار ما بهانه ای بیش نیست.»

کمبود امکانات رفاهی و فرسودگی دستگاهها: مانعی در راه افزایش تولید

کارخانه روغن نباتی خنزر پیش از این سال پیشتر شهرستان ساری تأسیس شد. فعالیت تولیدی این کارخانه در قسمت پنبه پاک کنی، روغن کشی و سابون پزی متمرکز است که اولسه مصرفی، پنبه و است که اساساً از کشت داخلی تأمین می شد.

در رژیم سابق مواد اولیه مورد نیاز برای تولید روغن از آمریکا و به قیمت گرانفروشی کپلو ۷۰ ریال خریداری می شد. در آن زمان اتحاد شوروی حاضر بود به بهای بسیار کمتری این نیاز را برطرف کند، ولی رژیم سرسپرد شاه مخلوع بدون توجه به منافع کشور، ماده اولیه را گران می خرید و به قیمت کمتری به کارخانه می فروخت تا از این رهگذر گاو صندوق های امپریالیسم آمریکا از این نمد کلاهی برداردند.

چنین بود که کشت پنبه در داخل کشور بشدت کاهش یافت و در حال حاضر نیز فقط پنبه پنبه با قیمت ثابت و مناسب از کشاورزان این مشکل - البته تا حدی برطرف می شود، زیرا خرید محصول کشاورزان از طرف دولت، دست واسطه ها را کوتاه و از نوسان قیمت ها جلوگیری خواهد کرد.

کارخانه خنزر بسبب کمبود مواد اولیه بمدت ۷ ماه تمام نتوانست با ظرفیت کامل تولید کند و این در

پیروزی کارگران کارخانه تولی پرس

در سالی که گذشت مدیر کارخانه تولی پرس (قزوین) خیال داشت عیدی کارگران را طبق ضوابط طاغوتی پرداخت کند کارگران نسبت به این حق کشفی اعتراض داشتند و به همین جهت ماه پیش بعنوان اعتراض در محوطه کارخانه اجتماع کردند.

در این اجتماع یکی از کارگران خطاب به مدیر کارخانه گفت: «اگر قرار است پانصد تومان دولتی و خصوصی یکماه عیدی بدهند، چرا شما دوامد روزان را با پانصد تومان من خصی کسر می کنید و فقط پول هجده روز را پرداخت می کنید؟ شما هنوز پای بند مقررات ضد کارگری رژیم طاغوتی هستید.»

خواسته های کارگران عبارت بود از:

- ۱- پرداخت یکماه عیدی،
- ۲- پرداخت یکماه پاداش،
- ۳- پرداخت سوودیه برای با آنچه که کارگران کارخانه تولی پرس صنعتی الیز دریافت می کنند.

سرانجام مدیر کارخانه که با نیروی متشکل کارگران مواجه شده بود، چاره ای جز تسلیم ندید و مجبور به موافقت گردید.

کارگران در عمل ثابت کردند که تنها با نیروی اتحاد است که میتوانند موافقت با این خواست خود را از پیش پای خود بردارند.

پایین تر تیب کارگران تولی پرس یکبار دیگر با برخورد اصولی و قاطع خود شاهد پیروزی را در آغوش کشیدند.

زمانی است که کمبود روغن در بازار داخلی بشدت وجود دارد. در این کارخانه نزدیک به ۱۰۰ کارگر کار می کنند، که هر یک چندین سال و در مواردی تا ۲۰ سال سابقه کار دارند. پیش از انقلاب حد اکثر دستمزدها به آنان برای ۱۰۰۰ تومان بود. اکنون با احتساب مزایایی از قبیل حق اولاد و مسکن، حد اکثر دستمزد به ۳۰۰۰ تومان افزایش یافته است. دستگاهها و ماشین آلات کارخانه بسیار کهنه و فرسوده اند. ولی کارگران با همه دشواری ها حاجم

حزب توده ایران و دکتر مصدق

بقیه از صفحه ۵

پاداشتها صدها زیادی. ارتباطات حزب ما، که بعلت مخفی بودن تشکیلاتی و در خیابانها بود، وارد آمد. پانصد کوردهای ۲۵ مرداد، ستاد کودتایان و رهبر کودتا - زاهدی - به سفارت آمریکا انتقال یافتند و اقدامات کودتایان از زیر تو دیدن هواپایان حزب ما در ارتش خارج گردید. در همین اینکه ما میدانستیم که حتی کودتا دو مرتبه شروع خواهد شد، ولی دیگر نتوانستیم خبر بگیریم که کودتا از کجا و در چه لحظه و بجهت صورت شروع خواهد شد. دستگاه مریض و طولیل ستاد ارتش، شهربانی و افراد وابسته به جبهه ملی، که همه مقامات مهم لشکری و کنسولری را در دست داشتند، مثل اینکه در مورد توطئه های کودتایان همه کورکور و لال شده بودند، بجز خبری که ۲۷ مرداد شب هنگام از محافل کودتایان بدست ما رسید، این بود که کودتایان، پس از شکست کودتای ۲۵ مرداد در تهران و فرار شاه مخلوع، میخواهند نقشه ای را که همیشه پنهان جانشین کودتا داشتند بپور اجرا گذارند و دولت زاهدی را در خوزستان علم کنند و آمریکا را بر مسیمت بشناسند.

مقدمه اینکه هر روز ۲۶ مرداد انجام یافته بود. هندرسن، که پس از گرفتن تصدیقات باصلحه به ایران مراجعت کرد، پدیدن دکتر مصدق رفت و به او با کمال وقاحت اطلاع داد: «دولت آمریکا دیگر نمیتواند حکومت ایران را بر مسیمت بشناسد و پنهان یک نخست وزیر قانونی با او مطابقت کند. هندرسن رسماً بدکتر مصدق اعلام داشت که: آمریکا با تمام قوا از ادامه حکومت او جلوگیری خواهد کرد و به او پیشنهاد کرد که گناره گیری گروه از طرف دیگر هندرسن رسماً به گروه کودتایان اطلاع داد که آمریکا دولت ژانسی را دولت قانونی ایران میشناسد. برای ما مسلم بود که آمریکا اگر نتواند در تهران به حثت از امای پاسخ رد موفق شود، مرکز ثقل تحریکات را به خوزستان خواهد برد. ما تردید نداریم که در صورت عدم موفقیت توطئه ۲۸ مرداد، این نقشه عملی میشد.

در مجموع این شرایط بود که صبح روز ۲۸ مرداد، ما از حرکت او پیش و فواعتی در شهر با خبر شدیم. خبر رسید که پاسانها و مامورین فرمانداری نظامی از آنها پشتیبانی میکنند.

اولین فکر ما این بود که باید با اولین جریان مقابله کنیم. ولی با توجه به دستور روز گذشته بدکتر مصدق دایر بر سر کوبی نظرات ضد سرداری و با عمل وحشیانه فرمانداری نظامی و پلیس، قرار شد فوراً بدکتر مصدق تماس گرفته شود.

من بدکتر مصدق از همان راه هیشگی تماس گرفتم و به او گفتم: «بنظر ما این جریان، مانند ۹ اسفند،

دکتر مصدق تجویز کنیم. ولی تا ما این

خبر را به شبکه حزبی برسانیم، شبکه ای که در نتیجه توقیفهای روز ۲۷ مرداد و تصمیم قبلی، ارتباطش ب میزان زیادی پاره شده بود، خبر رسید که مقاومت خاله مصدق پایان یافته و سرشنگ ممتاز تیر خورده و شایعه وارد عمل شد و احدهای نظامی هوادار مصدق دروغ بورد است. فرار بدکتر مصدق و اینکه او در دکتر فاطمی جان سالم بدر برده اند، برای ما امیدبخش بود و مضم شدم با تمام نیرو برای تجویز مقاومت مرد هوادار عمل شویم. ولی خبر تسلیم بدکتر مصدق و عدم آمادگی جبهه ملی بهر شکلی از مقاومت، حزب مارادرسنه مبارزه با کودتایان بکلی تنها گذاشت.

۱ - افسانه نیرومندی سازمان افسری

حزب توده ایران

گفته میشود که حزب توده ایران سازمان افسری نیرومندی، که در آن ۶۰۰ افسر حاضر ب جنگه عضویت داشته اند، آماده داشته و در جریان کودتای ۲۸ مرداد از آن بهره گیری نکرده است. این ادعا از واقعیت فرسنگها بدور است، بدلال زیرین:

- ۱- تعداد اعضای سازمان افسری حزب توده ایران در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، چها ۴۶۶ نفر بوده است که ۴۲۹ نفر آنها بازنایست و حکومت ۳۷ نفر آنها فرایب شده است.
- ۲- از این افراد بخش مهمی دانشجوی دانشکده افسری و هوایی، پزشک و مهندس و قاسی و کارمند ادارتی بوده اند.
- ۳- در صورت زیرین تقسیم این افسران به رسته ها و وضع بخش آنها در سراسر کشور دیده میشود:

ترکیب ۴۲۹ افسر بازنایست و معسوم شده سازمان افسری حزب توده ایران

رسته	تعداد افسران بازنایست	تعداد افسران معسوم شده
حوالی	۳۲	۲۹
توضیحات (۱)	۲۵	۷
سوار	۲۵	۹
پیاده	۸۰	۱۷
مخابرات	۱۷	۲
مهندس و قس (۲)	۴۱	۲۵
افسر ستاد	۶	۳
ژاندارمری (۳)	۳۱	۲۳
شهربانی (۳)	۳۷	۲۴
پزشک	۲۷	۱۵
دانشجوی پزشکی	۳۴	۳۱
دانشجوی افسری	۵۲	۵۲
وهوایی	۱۶	۹
درجه داران	۲۲۹	۲۲۳

آنچه در درباره تصمیمات هیئت اجرایی

در زمینه لزوم تدارک مقاومت مسلحانه در برابر کودتای احتمالی به خاطر دارم، اینست که، پس از رویداد ۳۰ تیر ۱۳۳۱ و بدنام افشاشدن تدارک کودتای امیکالی - دباری آخر شهریور ۱۳۳۱، دیگر مسلم بود که امپریالیست های امیکالی و انگلیسی، به کارگرانی دیدار پهلوی و همه نیروهای سرمهرده به آنان و بدست ارتش، شهربانی و ژاندارمری و اوباش، در تدارک سرنگون کردن بدکتر مصدق هستند.

مسئله اساسی برای رهبری حزب عبارت بود از ایجاد و تکمیل جبهه نیرومندی از همه نیروهای ضد امپریالیستی و در وجه اول از نیروهای وفادار به بدکتر مصدق و نیروهای حزب توده ایران. همانطور که میدانیم تمامی کلاسهای حزب ما در این راه، که پس از رویداد ۳۰ تیر حواره جدی تر میشد، برای امتناع بدکتر مصدق و هوادارانش از یکسو و خرابکاری آگاهانه گروههای وابسته به امپریالیسم آمریکا و دیدار دزدان جبهه ملی، یعنی گروه مظفر بقالی و خلیل ملکی از سوی دیگر، بی نتیجه ماند.

تجزیه حزب ما این بود که تنها در صورت برخورد آمدن چنین جبهه ای میتوان همه نیروهای ضد امپریالیستی خلق را در برابر توطئه های روزافزون دشمنان تجویز کرد. به عبارات این خط اساسی، در رهبری حزب این مطلب هم مورد بحث و مطالعه قرار گرفت، که با در نظر گرفتن اینکه مرکز اصلی تدارک کورده در ارتش و سایر نیروهای مسلح خواهد بود، حزب باید برای مقابله با کورده در تدارک مسائل قس و حداقل سلاح باشد. در این باره تصمیماتی گرفته شد. ولی بر سر راه اصلی کردن این تصمیم یک مانع سیاسی بزرگ وجود داشت. امپریالیستی و فلاح افشکنان، که خوب میدانستند که اتحاد نیروهای توده ای و سایر نیروهای راستین ضد امپریالیستی و ضد استبدادی، که از بدکتر مصدق پشتیبانی میکردند، بزرگترین ضربه را به نقشه جانشینان خواهد آورد و از آنجا که در این باره راهبرین زمینه تشریح کرده بودند که دست صانطور که امروز شاهدش هستیم، در زیر پرچم دودخین و خطر کمونیسم، حقیقت های شوروی برای رسیدن به آبهای گرم و نظار آنها، نیروهای ملی گرا را در مواضع دشمنانه سازماندهی کرده اند. این سازماندهی از فعالیتشان در این زمینه رو میشد - نمیتوانست صورت عاملی فدیفا منفی در جریان تلاش حزب به منظور تشکیل جبهه متحد اثر بگذارد.

- ۱- ۲ داریاد و ۳ استاد
- ۲- اکثریت در کارخانه های تصدیقات
- ۳- اکثر امالی، اداری، قضائی، پاربری
- ۴- اکثر ادمنائی، اطلاعات و اداری

اخبار دهقانی

گره گشای مشکلات روستاها

در تاریخ ۵۸.۱۱.۱۵ یعنی یک هفته بعد از تصویب قانون اصلاحات ارضی توسط شورای انقلاب، یکی از کارگزارانی که با دم زدن و رزمین تملک‌سازان، به نام مردم نوشت: «فهرتهای از سیاست ضد ملی و ضد دهقانی اصلاحات ارضی شاه مخلوع را میتوان در روستای دم‌آباد و رزمین مشاهده کرد. در حالیکه فرادی در این روستا زمینهای پهناوری را قبضه کرده‌اند، بقیه اهالی زمین را اختیار نداشته و مجبورند برای ادامه زندگی خود و عائله‌شان از زمینداران بزرگ زمین اجاره کنند.»

وی اضافه میکند: «در این روستا شش برادر، که خود هیچکدام کشاورز نیستند، مجموعاً صاحب حدود ۲۵۰ هکتار زمین میباشند و کشاورزان بزمین مجبورند برای کشت از آنها زمین اجاره کنند. فرد دیگری در دم‌آباد صاحب حدود ۱۵۰ هکتار زمین میباشد.»

این کارگر می‌افزاید: «بعد از طرح شدن امر اصلاحات ارضی عمیق در کشور، این عده میکوشند هرچه زودتر زمینها را به قبضه خود درآیند و دهقانان را بیگانه و بیگانه‌تر از خود میکنند. زمینهای خود را حفظ کنند.»

بدین ترتیب ضرورت کوتاه کردن دست مالکان بزرگ و اجرای اصلاحات ارضی واقعی پسود دهقانان بزمین و کمزین را در هر دو بخش روستایی از کشور مایه‌توان مشاهده کرد.

گره گشای بسیاری از مشکلات روستا و کلید اصلی رونق اقتصاد کشاورزی ما همین است. دهقانان بدرستی از انقلاب و از دولت جمهوری اسلامی ایران انتظار دارند که هرچه زودتر وقایع و قانون مصوبه شورای انقلاب را اجرا کنند. در حق را به‌حق‌دار و زمین را به دهقانان برسانند و کمک لازم را برای تهیه وسائل کشت و تولید در اختیار آنان قرار دهند.

اجرای قانون اصلاحات ارضی خواست دهقانان و عدم اجرای آن بنبع ضد انقلاب است.

روستای گردلان از توابع بخش خورموج است. این روستا ۳۵ خانوار و ۱۷۰ نفر جمعیت دارد. اکثر مردم کشاورز و دامدارند. در اطراف ده مراتع وسیعی وجود دارد که چراگاه احشام است. مالک ده، ملک‌خان صالح احمدی است که دارای دهها هکتار زمین غله‌کار و سه تا چهار هزار اصله درخت خرما است. دهقانان، که سالها روی زمین مالک کار کرده‌اند، فقط نصف سهم را می‌برند. زمینهای اطراف ده نیز هر ساله توسط خان به‌عشایر دام‌پرور اجاره داده می‌شود.

بعد از انقلاب، دهقانان خواهان تقسیم زمینهای قابل کشت و مراتع می‌شوند. خان به‌خواست آنها رقص نکنداشته و همچنان به آزار و اذیت روستائیان می‌پردازد. روستائیان دستجمعی به پاسگاه ژاندارمری سنا و گروهان ژاندارمری خورموج و دادگاه شهرستان بوئسهر و دادگاه انقلاب شکایت می‌کنند، ولی به کارشان رسیدگی نمی‌شود. دهقانان با خانواده‌هایشان ناچار برای تصنیف به بوئسهر می‌روند و خواهان دستگیری و محاکمه رئیس پاسگاه می‌گردند.

باتوجه به رهنمود امام، دهقانان بعد از ۸ روز، تصدی خود را میشکند، ولی کماکان در شهر مانده‌اند و منتظر اجرای خواستههای خود هستند.

بموجبی به خواست برحق دهقانان، عدم اجرای اصول انقلابی قانون اصلاحات ارضی است که به تصویب شورای انقلاب رسیده است و عدم قاطعیت در اجرای این اصول، تنها بنبع ضد انقلاب و عمال آن است.

در جهان سوسیالیسم چه میگذرد

گسترش فعالیت ساختمانی در منولستان

در مراکز صنعتی منولستان فعالیت ساختمانی بسیار است. به‌شماره می‌رود. در زمینه خانه‌سازی، قرار است یکمک کارشناسی شوروی رکورد ۱۰۲۷۰۰ هکتار مربع سال پیش، امسال شکسته شود. هر چند در پایان برنامه پنج‌ساله جاری، نزدیک به صد هزار خانواهد منولی صاحب‌خانه نوساز خواهند گشت. به‌تکمیل توسعه روز افزون شهرهای صنعتی، بویژه دارخان، اردن و اولان باتور، روی آوردن گسترده نیروی کار به شهرها، هنوز بسیاری از خانواهدهای جوان در انتظار مسکن مشغول هستند.

در تصویبنامه مشترک کمیته مرکزی حزب انقلابی خلق منولستان، دولت جمهوری توده‌ای منولستان که چندین پیش‌منتشر شده، آمده است:

«باید سازمان‌کار را در منابع ساختمانی تکمیل بخشید، از ذخیره‌های داخلی، از جمله در زمینه بهره‌برداری از ماشین‌ها و دستگاه‌تجهیزات، بهتر استفاده‌جست و در راه افزایش محسوس بارآوری کار کوشا بود.»

در تصویب‌نامه حزب و دولت تاکید میشود که برای حل مسئله مسکن لازم است بهترین تجربیات کشورهای سوسیالیستی برادر را بیکرانه بکار برد.

کمک برادرانه کوبا به خلقهای آمریکای لاتین

«جزیره جوانان» کوبا به سحنه همبستگی فعالانه نخستین کشور سوسیالیستی قاره آمریکا با خلقهای ازبند رسته آفریقا و آمریکای لاتین تبدیل شده‌است. برای نمونه، اکنون بیش از ۵۷۹ دختر و پسر نیکاراکوهای در این جزیره آموزش می‌بینند. والدین کارمندان، مدیران روستایی و جزیره جوانان، می‌گویند:

«دانش آموزان پیوسته تاکید میکنند، که در اینجا به آنها خوش میگذرد. اما هر یک از آنها خاطراتی بی‌تلف از بیمارانها و تهاجمات مزدوران سوموزا بیاد دارد و میدانند گرسنگی چیست.»

دانش آموزان نیکاراکوهای پس از پایان کلاس نهم و پسا دوازدهم به کشور خود، که ۶۵ درصد سکنه بالغ آن بی‌سواد است، باز خواهند گشت.

فزون بر این، ۵۷ نیکاراکوهای در مدارس حرفه‌ای و دانشگاههای کوبا به تحصیل در رشته‌های اقتصاد، کشاورزی و پزشکی مشغولند.

در همسایگی کودکلن نیکاراکو، ۵۰۹ دختر و پسر از جمهوری تسوبه‌ای موزامبیک در مدرسه «ادواردو موندلین» درس می‌خوانند. ۳۲۷ کودک بیکارگران نامیبیا نیز در مدرسه‌ای شبانه‌روزی، نزدیک سد ویتنام، قهرمان، سواد می‌آموزند.

برای شهیدان حزب و جنبش

«نامه مردم» در نظر دارد عکسهای تمام‌بازاری را که در دوران سلطنت تنکین و منفورخاندان پهلوی در راه آرمانهای ملی و میهنی و انسانی خود به شهادت رسیده‌اند، جمع‌آوری باسپاس - «نامه مردم»

موافقت‌نامه نظامی جدید آمریکا در ترکیه امضا شد

دولت سلیمان دمیرل، نخست‌وزیر ترکیه، برغم اعتراضات مردم این کشور، موافقت‌نامه نظامی جدید با آمریکا را امضا کرد. بموجب این موافقت‌نامه آمریکا میتواند ۲۴ پایگاه نظامی و جاسوسی در ترکیه استفاده کند. بدین ترتیب خاک ترکیه به پایگاه عمده آمریکا برای تجاوز و تحرک علیه خلفای منطقه تبدیل شده است. آمریکا همچنین با استفاده از چند پایگاه جاسوسی خود در ترکیه علیه اتحاد شوروی دست به جاسوسی می‌زند.

اقدام دولت ترکیه که بیش از پیش کشور را به‌دامان امپریالیسم آمریکا انداخته است. خشم محافل ترقیخواه ترکیه را برانگیخته است. این محافل، با توجه به وضع فلاکت‌بار مردم عقیده دارند که این قبیل اقدامات میتواند امپریالیسم را در غارت هر چه بیشتر کشور جری‌تر کند.

دیور کل سازمان همبستگی آسیا - آفریقا امپریالیستها را محکوم کرد

به ابتکار سازمان همبستگی آسیا - آفریقا کنفرانس مبارزه با پایگاه‌های خارجی در مدیترانه، دروالتا، پایتخت مالت تشکیل شد. معاونین سازمان در نظر نطق خودتقدیم‌نامه‌ای تسلیم‌نامه‌ای در خاورمیانه را که، بوسیله امپریالیسم آمریکا دام‌نرزه میشود، محکوم کرد و یاد آورد که رهبران چین در این اقدامها همدست آمریکا شده‌اند.

از سوی دیگر دیور کل سازمان همبستگی آسیا - آفریقا در مساجله‌ای گفت که مردم آسیا و آفریقا خواهان صلح‌اند و طرح‌های امپریالیستها را محکوم میکنند.

وی گفت که میلیتاریست‌های امریکایی می‌خواهند برای جبران شکستهای شدید چندسال گذشته، از رویدادهای افغانستان برای توطئه و تحریک استفاده کنند.

دیور کل سازمان همبستگی آسیا - آفریقا گفت که این سازمان تلاش میکند امریکایی‌ها را محکوم کند و در مدیترانه خانه و به تحریک پایان دهد.

تحریکات آمریکا و چین علیه کشورهای هندوچین ادامه دارد

جمهوری سوسیالیستی ویتنام اعلام کرد که آمریکا و چین کماکان به تحریکات خود علیه کشورهای هند و چین ادامه میدهند.

سخنگوی وزارت خارجه ویتنام در مصاحبه‌ای با خبرنگار کزادی این کشور یاد آورد که آمریکا برای باندهای پول‌پوش، شبکه ساری در تایلند، اسلحه ارسال میدارد و در عین حال تلاش دارد که کشورهای عضو اتحادیه آسیای جنوب شرقی (آسه‌آن) را علیه کشورهای هند و چین تحریک کند.

سخنگوی وزارت خارجه ویتنام یاد آورد که رهبران چین همچنان سودای تسلط بر هند و چین را در سر می‌پرورانند.

سومالی به پایگاه نظامی آمریکا بدل شده است

تلاشهای امپریالیسم آمریکا برای حفظ مواضع غارتگرانه خود در منطقه اقیانوس هند و خلیج فارس شدت گرفته است.

در ارتباط با این تلاشها، زیاد باه، رهبر سومالی اعلام کرد که این کشور موافقت کرده است پایگاه‌های هوایی و دریایی خود را در اختیار آمریکا قرار دهد.

از سال پیش آشکار بوده که امپریالیسم آمریکا توانسته است موافقت رژیم‌های سرسپرده‌ای مانند سومالی و عمان را برای استفاده از پایگاه‌های آنان بدست آورد. اما مقامهای سومالی تاکنون به‌شماره اعطای این پایگاهها را به آمریکا تکذیب می‌کردند. اما اکنون حقایق بقدری آشکار شده است که دیگر انچه تکذیب این اقدام خائنانه بر نمی‌آید. در ارتباط با موافقت رژیم سومالی، خبرگزاری اتیوپی گزارشی داد که صدها نظامی آمریکایی راهی سومالی شده‌اند. خبرگزاری اتیوپی توجه کشورهای جهان را به تحریکات آمریکا در سومالی جلب کرده است.



امریکا در گواتمالا نیز با گسترش قیام خلق روبروست

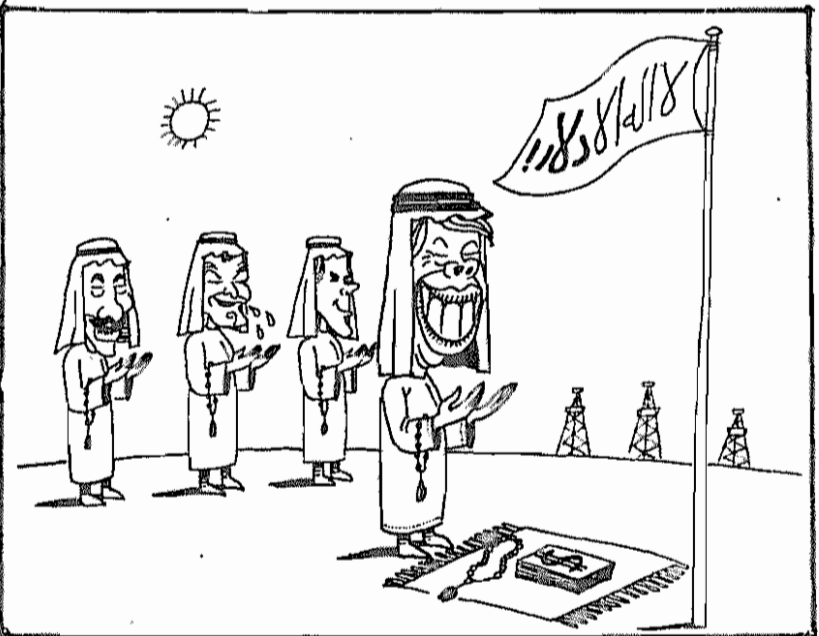
گزارش رسیده از گواتمالا نشان میدهد که نیروهای ارتجاعی دست راستی با حمایت رژیم سرسپرده این کشور، که بوسیله امپریالیسم آمریکا به خلق تحمیل شده‌است، در دوام گرفته‌است. تین را کشته‌اند، از جمله یک استاد دانشگاه بوسیله ارتجاع به قتل رسیده‌است.

امریکا و گواتمالا نیز مانند السالوادور با گسترش قیام خلق روبرو است. امریکا تصمیم گرفته است که بطور غیر مستقیم و از طریق اسرائیل سلاحهای لازم را در اختیار سرسپردگان خود در گواتمالا قرار دهد.

امریکا و چین میخواهند از ساختمان جامعه نوین در افغانستان جلوگیری کنند

سلطان علی کشتمند، معاون نخست‌وزیر جمهوری دمکراتیک افغانستان، گفت که هدف عمده خلق کشور صلح و ترقی اجتماعی است. وی یاد آورد که امپریالیسم امریکایی و چین میخواهند از ساختمان جامعه نوین در افغانستان جلوگیری کنند و بدینجهت در خاک پاکستان ضد انقلابیون را برای خرابکاری در افغانستان آموزش میدهند. اما این توطئه‌ها با شکست روبرو میشود.

از سوی دیگر وزیر کشور افغانستان ادعاهای خبرگزاری‌های غربی را که از پیشاوره به نقل از «مهافل آگاه» و «مسافران» اعلام کرده‌بودند چند روز پیش در شهر کابل ناآرامی‌ها شایع مشاهده شده است. کذب محض خواند و گفت که این خبرگزاریها آرزوهای خود را واقعیت جلوه میدهند.



نیروهای انقلابی نیازی به عوامفریبی ندارند

آری این چنین است که برای وابسگرایان و سرمایه‌داران این روزها سئله قدرت در یک جمله خلاصه می‌شود: آیا امروز یا هرگز، آنها خوب حس می‌کنند که گذشت زمان به نفع آنها نیست. بیداری طبقه کارگر و سایر زحمتکشان پایه‌های قدرت انحصارطلبانه آنها را تهدید می‌کند. بنا بر این باید از فرصتی که به دستشان افتاده با هر شیوهای برای تثبیت خودشان استفاده کنند. واقعیت‌ها را وارونه جلوه دهند، آزادی‌ها را هر چه محدودتر کنند و عنداللزوم پای چماق و زور را به میان بکشند. برعکس، نیروهای انقلابی هرگز از آینده وحشت ندارند، آگاه شدن مردم به نفع آنهاست چون چرخش چرخهای تاریخ آنها را تأیید می‌کند. آنها مجبور نیستند و نمی‌خواهند میدان فعالیت دیگران را محدود کنند، چرا که می‌دانند در دادگاه قضاوت توده‌ها محکوم نمی‌شوند، چون مدافع واقعی منافع زحمتکشان هستند. حرف‌هایشان به دل مردم می‌نشیند چون از فطرت تاریخ و خواست مردم نشأت می‌گیرد. نیروهای انقلابی احتیاجی به دروغگویی، تزویر و عوامفریبی ندارند، چرا که واقعیت‌ها به نفع آنهاست. به همین دلیل مجاهدین خواستار آشنای کلیه روابط، پرونده‌ها و شبکه‌های ساواک و سیا بوده و هستند. و می‌دانند که در دادگاه خلق برنده واقعی خواهند بود.

(مجاهد، ۱۰ فروردین)

- آمریکا که در جنگ گروگانها و تحریم اقتصادی مغلوب ایران شده، ترویج اسلام آمریکایی را هدف قرار داده‌است.
- کسانی که در حوزه علمیه «سیاه» تحصیل علوم مذهبی میکنند به ملکوت اعلی نخواهند رفت.
- اسلام آمریکایی، بیشتر به «مافیاء» شباهت دارد.

(کجهان، ۱۱ فروردین)

برای شهیدان حزب و جنبش

«نامه مردم» در نظر دارد عکسهای تمام‌بازاری را که در دوران سلطنت تنکین و منفورخاندان پهلوی در راه آرمانهای ملی و میهنی و انسانی خود به شهادت رسیده‌اند، جمع‌آوری باسپاس - «نامه مردم»

خواهان تقاضا میشود که هر کسی از این مبارزان شهید دارند، به دفتر «نامه مردم» مراجعه کنند.

در مطبوعات کشور

جوادنوشتن: چرا گازها باید بسوزند؟!

وقتی از زبان وزیر نفت و سخنگوی وزارت نفت در روزنامه‌ها خواندم که گازها را می‌سوزانیم، ولی به قیمت کم به اتحاد شوروی نمی‌دهیم، بیاد اجرائی تفکرات ضدانسانی و ضدبشری استعمارگران آمریکایی افتادم که سالانه میلیاردها دلار نفت، آفتاب و گازهای کشاورزی و حتی دام‌ها را به دریا میریزند، تا ارزان نفروشدند، در حالی که در همان زمان، نابودی این گندها و واکاوان و گوسفندان، میلیونها نفر در گوشه و کنار جهان در نهایت‌عسرت و تنگدستی مانند همان حیوانات بیچاره تلف میشوند. آقای وزیر نفت، آقای سخنگوی وزارت نفت و آقای سخنگوی شورای انقلاب، آیا باید در جمهوری اسلامی ایران، این چنین بدون احساس مسئولیت و بدون در نظر گرفتن پی‌آمدهای

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

یكشنبه‌ها: «نامه مردم» بزبان کردی
 هموطنان کرد مقیم تهران منتشر میشود، از کوسکهای تهران دریافت دارند.
 میتوانند در نامه نام مردم به زبان کردی را، که روزهای یکشنبه

نیما یوشیج

یک دست بی صداست

من چهره‌ام گرفته / من قایم نشسته به خشکی

با قایم نشسته به خشکی / فریاد می‌زنم: / دوامانده در عذابم انداخته است / در راه پرمخافت این ساحل خراب / وفاصله است آب / امدادی ای رفیقان بامن...

گل کرده است یوزخندشان اما / برهن / بر قایم که نه موزون / بر حرف‌هایم درچه ره ورسم / برانتهایم از حد بیرون...

در انتهایم از حد بیرون / فریاد بر می‌آید از من: / «درد وقت مرگ که با مرگ / جز بیم نیستی و خطر نیست / هزاری و چلالت و غوغای هست نیست / سپوست و جزیه یاس ضرر نیست»

با سپوشان / من سوسو می‌خورم / از حرف‌های گام‌نکن شان / من درد می‌برم / خون از درونم دردم سرریز می‌کند / من آب را چگونه کنم خشک؟

فریاد می‌زنم / من چهره‌ام گرفته / من قایم نشسته به خشکی / مقصود من زحرفم معلوم بر شعلت: / یک دست بر صداست / من دست من گنگ ز دست شما می‌کند طلب...

فریاد من شکسته اگر در گلو، و اگر / فریاد من رسا / من از برای راه خلاص خود وشما / فریاد می‌زنم / فریاد می‌زنم!



چند تیم فوتبال خواستار مسابقه با تیم ایران شدند

بدنبال پیروزی اخیر ملی فوتبال ایران در مسابقات مقدماتی المپیک مسکو، چند تیم

نام مژدم / از گمان مرکزی حزب توده ایران / دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی / خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ / تلفن: ۹۳۵۷۲۸-۹۳۳۳۵۹ / چاپ: کویان

MARDOM / No 201 / 3 April 1980 / Price: West - Germany 0.80 DM / France 2 fr / Austria 8 Sch. / England 20 P. / Belgium 10 fr. / Italy 350 L. / USA 50 Cts. / Sweden 1.50 Skr.

هجوم به دفتر حزب توده ایران در اصفهان

بدنبال تظاهرات تحریک آمیز یک گروه ۵۰-۶۰ نفری در روز یکشنبه ۱۰ فروردین ماه علیه حزب توده ایران، سازمان چریک‌های فدائیان خلق و مجاهدین خلق در اصفهان، روز دوشنبه ۱۱ فروردین ماه همان افراد مجدداً در محل روز قبل (خیابان چهارباغ، میدان انقلاب) جمع شدند و این بار با همان شماره‌های تحریک آمیز بسوی دفتر حزب توده ایران براه افتادند.

این جریان به شهر بانی، به سپاه پاسداران و استانداری اطلاع داده شد، ولی در این فاصله مهاجمین در خانه حزب را شکستند و وارد خانه شدند و هر چه را که توانستند ازین بردند.

سرانجام بر اثر دخالت مؤثر استانداری، عده‌ای از مهاجمین توسط کلانتری بازداشت می‌شوند.

از طرف مسئولین حزب در اصفهان با حضور نماینده شهر بانی و نماینده دادستانی شکایتی تنظیم و تسلیم دادستانی انقلاب می‌گردد. ماهه این عمل ضد انقلابی و طبق نقشه را بدست محکوم می‌کنیم و از مقامات مشول مصرانه می‌طلبیم که اولاً مهاجمان را بقوریت و قساوتانه مجازات کنند. ثانیاً تدابیر لازم امنیتی برای پیشگیری از این اعمال ضد انقلابی اتخاذ کنند.

ما بهمه مقامات مشول کشور هشدار می‌دهیم که ضد انقلاب تحریک و توطئه و تهاجم علیه حزب توده ایران و سایر نیروهای انقلابی را وارد مرحله تازه‌ای کرده است، که اگر جلوی آن بقوریت و بدست گرفته نشود، عواقب خطرناکی برای جنبش انقلابی ایران و انقلاب ایران در مجموع خواهد داشت.

تفصیل هجوم به دفتر حزب توده ایران در اصفهان را در شماره آینده به اطلاع خوانندگان «نامه مردم» خواهیم رساند.

هجوم شاه پرستان سرمایه داران وابسته و عوامل باصطلاح حزب خلق مسلمان به مسجدالرضا در تبریز

صبح روز ۱۱ فروردین ۱۳۵۹ عناصر ضد انقلابی به مسجدالرضا در تبریز حمله کردند. کمیته شهری تبریز در اقدامی قوی در آذربایجان سازمان حزب توده ایران در آذربایجان، بدین مناسبت اعلامیه‌ای بشرح زیر انتشار داد:

مسجدالرضا، واقع در چهار راه ۱۷ شهریور - متحدین، بعد از انقلاب در اختیار جوانان مسلمان انقلابی و فداکار به خط ضد امپریالیستی و خلقی امام قرار گرفته است. جوانان مسلمان انقلابی مستقر در مسجد در طول این مدت در مبارزات ضد امپریالیستی و خلقی مردم تهران تبریز و در مبارزه با حزب منحل امریکائی «خلق مسلمان» شرکت فعال داشته‌اند و در دست بهمین علت همچون خادای در چشم مرتجعین، شاه پرستان و سرمایه داران وابسته محل و عمال امپریالیسم، بویژه امپریالیسم امریکا، فرودخته‌اند. از مدتها قبل روزی نبوده است که توطئه‌ای از طرف بعضی عوامل علیه این جوانان انقلابی مسلمان صورت گرفته باشد.

توطئه گران و مهاجمین به مسجدالرضا اساساً عبارتند از: دلانان خود فروخته، دباخوانان، شهردار، شاه پرستان دزد و همچنین تبار وابسته به طر فداکاران و مدافعین خاندان متفرد پهلوی، که از جانب اکثریت مردم تبریز شناخته شده‌اند.

نام نویسی در حزب توده ایران / کارگران و زحمتکشان / هوادار حزب توده ایران که مایلند در حزب ثبت نام کنند، ولی در ایام هفته فرصت ابتکار را ندارند، می‌توانند روزهای جمعه از ساعت ۱۱ تا ۱۹ صبح و از ۱۳ تا ۱۵ بعد از ظهر به دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران، واقع در خیابان ۱۶ آذر، ضلع غربی دانشگاه تهران، مراجعه کنند. در شهرستانها نیز دفاتر حزب توده ایران برای نام نویسی آماده است. متقاضیان هنگام ثبت نام حتماً شناسنامه خود را همراه داشته باشند.

رائول کاسترو: سیاست سلطه طلبانه امریکا صلح و امنیت را در معرض خطر قرار میدهد

رائول کاسترو، یکی از رهبران کوبای انقلابی اعلام کرد که امپریالیسم امریکا به بهانه ورود افسانهای افغانستان اوضاع جهانی را متشنج میکند.

وی تأکید کرد که سیاست سلطه طلبانه امریکا صلح و امنیت را در معرض خطر قرار میدهد.

دائول کاسترو گفت که امپریالیسم امریکا نمیتواند درک کند که زمانیکه میتواند از طریق نظامی و اقتصادی کشورها را وادار به اطاعت از خود کند، سبزی شده است.

کاسترو افزود که کارتری تلاش دارد با تبلیغات و هیاهوی ضد کومونیستی توجه مردم امریکا را از مشکلات داخلی منحرف سازد.

تشکیل جبهه‌ای از مخالفان رژیم خیانتکار سادات در مصر

خاله محی الدین، یکی از رهبران مخالف رژیم سادات در مصر، موافقت نامه خائنه کمپ دژوید را شدیداً محکوم کرد و گفت که هدف این موافقت نامه توطئه علیه خلقهای عرب است. محی الدین اضافه کرد که این موافقت نامه نتوانسته است مسئله اصلی، یعنی مسئله فلسطین را بر طبق منافع خلق فلسطین حل کند.

از سوی دیگر کشورهای سوریه، الجزایر، یمن، مراکش، لیبی و سازمان آزادی بخش فلسطین حمایت خود را از جبهه متحدی مصر، که به رهبری ژنرال شاذلی و با شرکت گروههای مذهبی و غیرمذهبی و سیاسی مخالف رژیم مصر تشکیل شده است، اعلام کردند. هدف این جبهه سرنگون کردن رژیم سادات و پایان دادن به توافقهای خائنه کمپ دژوید است.

یازدهمین کنگره حزب کمونیست سری لانکا توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و چین را محکوم کرد

یازدهمین کنگره حزب کمونیست سری لانکا، در پایان اجلاس خود، طی قطعنامه‌ای اعلام کرد که در صورت تلاش‌های مشترک همه خلقها میتواند توطئه‌های امپریالیسم را درهم شکست.

امپریالیسم امریکا سیاست نظامیگری خود را تشدید کرده است. کنگره حزب کمونیست سری لانکا خواستار برچیده شدن پایگاههای نظامی امپریالیستی در اقیانوس هند گردید و یاد آور شد که داروستانه حاکم بر چین نیز سیاستی مشابه امریکایی گرفته‌اند و تقارن میان سیاست دو کشور وجود ندارد.

خوانندگان گرامی میتوانند در خارج از کشور به آدرس‌های زیر با «نامه مردم» مکاتبه کنند

- بلژیک: 51, Av. de Broqueville 1200 Bruxelles / انگلستان: P.O. Box 141 London, E 70 PE / فرانسه: Rigel Albert BP 75180 75001 Paris France

شوخی نیست...

شاه خائن هم فرمان مسلمانان گرفت!

شاه خائن هنگام نزول اجلال (۱) به مصر از متقی‌ترین مسلمانان جهان، یعنی انور سادات (۱) فرمان مسلمانان گرفت! متن فرمان سادات چنین است: «من شاه را به عنوان یک مسلمان واقعی می‌شناسم، ولی نه آن مسلمان که آنان (دولت ایران) برای خود ساخته‌اند! آنچه آیت‌الله خمینی بهرورد اجرا کرده است و تبلیغ میکند اسلام نیست». ظاهراً انور سادات که بعد از عمری خون‌دل خوردن بحال اسلام بدرجه اجتهاد رسیده است، اکنون مرجع تقلید تمامی آنهایی است که به اسلام امریکایی گرویده‌اند و قصد دارند به همه دیکتاتورهای جهان فرمان مسلمانان بدهند، تادست در دست هم افغانستان و ایران را نجات بدهند.

با وفایی سادات به امپریالیسم باز هم تأیید شد

بعد از تسلیم فرمان مسلمانان توسط سادات خائن به شاه مخلوع، ارباب‌ها بار دیگر با وفایی سادات را تأیید کردند و برای ناز کردن او دستی به سرودش کشیدند. روزنامه گاردین، چاپ لندن، در مقاله‌ای تحت عنوان سادات «خوب و باوفا» از راستیاش کرد و نوشت: باید یادیده احترام به سادات نگاه کرد. روزنامه دیلی اکسپرس هم در مقاله مشابهی، با شکرگونی تمام با احترام نوقالعهاده، اقدام رئیس جمهور مصر را در دعوت از شاه مخلوع یکگون شهادت و شجاعت و عواطف انسان دوستی و وفاداری توصیف کرد و او را بعنوان یکی از مردان بزرگ (۱) قلمداد کرد.

کدام رهبر «مبارزان» راست می‌گویند؟!

خبرگزاری آسوشیتد پرس، از قول یکی از رهبران «مبارزان» افغانستان (که طبق معمول ناشناس است) خبری را، که در ساعت ۱۴ روز پنجشنبه هفتم فروردین از رادیو ایران هم پخش شد، مخابره کرده است.

«یکی از رهبران مبارزان افغانستان در حالیکه به تفنگ خود، که متعلق به جنگ جهانی اول بود اشاره می‌کند، گفت: ما با این سلاح در مقابل شوروی نمیتوانیم ایستادگی کنیم، زیرا آنها با هلیکوپترهای مجهز به توپ و مسلسل ما را مورد حمله قرار میدهند». از طرف دیگر «گلوبالین حکمت یار»، یعنی پالیتران افغانستان هم، که از رهبران «مبارزان» افغانستان است، در مساجبه‌ای در تهران گفته است: «ما امروز با وسایل و سلاح سنگین و خفیف از قبیل توپ، تانک، زره پوش، دافع هوا (ضد هواپیما)، ضد تانک و تفنگ‌های گوناگون مجهز هستیم». (راه حق از گان حزب اسلامی افغانستان شماره ۱۱) راستی، کدام رهبر «مبارزان» راست می‌گوید؟!

امپریالیسم، یعنی کیسینجر و راکفلر

آقای قلب زاده بعد از توطئه رقتن شاه مخلوع به قاهره گفت: «متأسفانه کیسینجر و راکفلر با تلاشهای مذبحخانه خود این مرد جنایتکار را در آخرین لحظات از اناناما فراری دادند». یازهم راکفلر و کیسینجر امریکارا بدنام کردند اصلاً سبب اینکه مردم دنیا با امپریالیسم امریکا در جنگند، این دونفرند. و گرنه امپریالیسم امریکا بد نیست، حتی دوست داشتنی است. اگر این دونفر نباشند، نه تنها شاه خائن به ایران بر میگردد، بلکه امپریالیسم امریکا هم نابود میشود!

انقلابیون پولیساریو «مسلمان» نیستند

حکومت یکن، که در دفاع از «مسلمانان» افغانستان کوس رقابت را از امریکا و مصر ربوده است، مثل بقیه شرکا دهمخروس را لو داد.

«چون موشواه نایب نخست وزیر چین، که از مغرب دیدن میکند، گفت: «مغرب در صحرای غربی بادهای خرابکار روپرو است و جنگ با جبهه پولیساریو به منزله نبرد با خرابکاری در سراسر افریقا است».

باین ترتیب معلوم شد که اولاً زمینداران صحرا «مسلمان» نیستند، چون اگر بودند، چین، این مدافع «مبارزان» افغانستان، حتماً از آنهاهم دفاع میکرد. ثانیاً «ملک حسن»، این یار غار شاه مخلوع و سادات خائن مسلمان است، چون با خرابکاران صحرا می‌جنگد.

هیچطور که جلو بروید، باین نتیجه میرسید که تنها «مبارزان» افغانستان هستند که امپریالیسم و پاراناش آنها را به مسلمانان قبول دارند و بس، البته با ضافه: شاه مخلوع، ضیاعالحق، سادات، ملک حسن، ملک حسین، سلطان قابوس، ملک خالد و...

مدارک دخالت کارتر در حوادث تبریز

رئیس دادگاه انقلاب اسلامی تبریز در اشاره به مسایل پشت پرده حوادث تبریز، در دادگاه ۳ روحانی سرشناس تبریز که متهم هستند در جریانات و اغتشاشات اخیر این شهر دست داشته‌اند، گفت: طبق مدارک موجود، کارتر در این حوادث ۳ میلیارد دلار پول خرج کرد، ولی هتیارای و آگاهی مردم تمام این نقشه‌ها را نقش بر آب کرد و دشمن بزرگی بر قلب کارتر وارد نمود. این افشاکاری رئیس دادگاه انقلاب اسلامی بلافاصله این سؤال مطرح میکند که: چرا این مدارک منتشر نشده‌اند تا مردم ایران دریابند حوادث خونین کشور را امپریالیسم امریکا تدارک می‌بیند و بدرستی دریابند که «کوله‌ها» حزب خلق مسلمانها و دیگر انقلابی‌نماها از کدام سرچشمه آب می‌خورند.